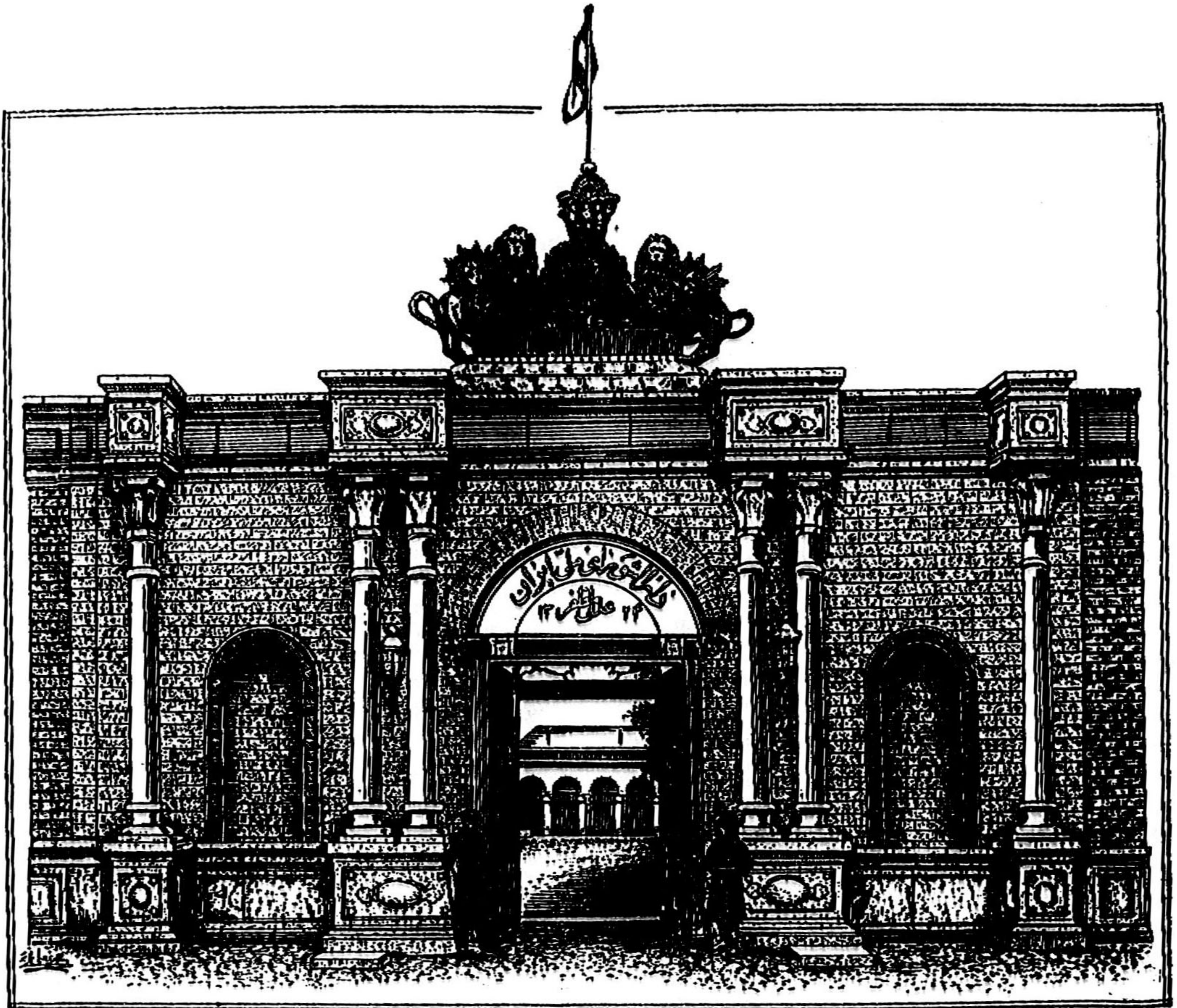


| | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>جلسه ۷۹</p> | <h1>بزرگراه مجلس</h1> | <p>شماره مجله پنجم</p> |
| <p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یله شنبه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ رمضان ۱۳۴۵</p> | <p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود. مجله مجلس</p> | <p>قیمه اشتراك دو ماهه ایران سالانه ده تومان بازگه ۴۰ دوازده تومان قیمه بک شماره بک فرانس</p> |

فهرست مندرجات

| شماره | عنوان | از صفحه | الی صفحه |
|-------|----------------------------------------------------------------------------|---------|----------|
| ۱ | بقیه مذاکرات نسبت بخر کمیسیون معارف راجع به تعلیمات عمومی (ماددهشتم - الخ) | ۸۷۷ | ۸۹۲ |
| ۲ | تصویب نمایندگی آقای آقا سید علی اکبر آیه الله زاده اصفهانی از خمد | ۸۹۲ | |
| ۳ | مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به اعتبارات مالی سنه ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ | | |
| | وزارت عدلیه (ماده اول) | ۸۹۲ | ۹۰۸ |



مذاکرات مجلس

دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ایله شنبه ۱۲ فروردین، ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ رمضان ۱۳۴۵

جلسه ۷۹

(مجلس سه ساعت از شب گذشته بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید .)
(صورت مجلس ایله دوشنبه ۲۹ اسفند را آقای
نگهبان قرائت نمودند .)

رئیس -- اسم آقای عراقی که جزء غائبین نوشته شده
اشتباه شده است اجازه نامه شان امشب به کمیسیون فرستاده
شد تکلیفش بعد معلوم می شود . آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که در آن شب معهود بنده هم مریض بودم و هم مریض داشتم با تلفون هم عرض کردم ولی در عین حال به آقای وزیر علوم هم عرض کردم که اگر فقط نیامدن بنده عده مجلس را بحد اصاب نمیرساند بنده صرف نظر کنم و بیایم و بعد اطلاع دادند که مجلس هم تشکیل شده است و بنده هم عازم شدم دو مرتبه تلفون کردند که نه نفر دیگر کسر است و آمدند شما تأثیری ندارد ضمناً حضور مبارک هم عرض کردم و استجازه هم کردم.

رئیس - به کمیسیون مراجعه و اصلاح میشود.

رئیس - آقای میرزا عبدالله خان وثوق.

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده هم کتباً از مقام ریاست اجازه مرخصی استدعا کرده بودم.

رئیس - از کمیسیون تحقیق میشود بعد اصلاح خواهد شد. آقای حیدری

علیخان (حیدری) - بنده هم تحصیل اجازه کرده بودم رئیس - این هم مثل دیگران. سورت مجلس دیگر

اعتراضی ندارد؟ آقای شیروانی

شیروانی - صورت جلسه اسبق قرائت شده است ولی تصویب نشده است تکلیفش باید معلوم شود.

رئیس - عجله این یکی تصویب میشود تا آن یکی را بیاورند. صورت مجلس دیگر ابرادی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - دستور اولاً خبر کمیسیون بودجه را جمع بعد از استماع لایحه تعلیمات عمومی. ولی آقای فهیمی و آقای افسر پیشنهاد کرده اند که لایحه تعلیمات عمومی مقدم باشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - تصویب شد رأی گرفته می شود به ماده پنج به ضمیمه تبصره آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم مطرح است.

بکنفر از نمایندگان - ماده هفتم

رئیس - ماده هفتم در ضمن ماده اول تأمین شده است.

(ماده هشتم بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند از محل وجوه صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعلمیات ابتدائی (برای تهیه معلم مدرسه ابتدائی) تأسیس خواهد نمود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده موافقم که در مراکز ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعلمیات دائر شود و اشخاص را تربیت بکنند برای معلمی. لیکن کی؟ و چه وقت؟ و از چه پولی؟ از این وجوه یا قابل اختصاصی که ما برای تربیت اطفال مردمان زحمت کش و دهاقین تهیه کرده ایم؟ یا این وجه در مراکز ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعلمیات تأسیس شود؟ بنده مخالفم.

از چند جهت. اولاً مدرسه سه کلاسه که مادر دهات میخواهیم تأسیس کنیم بعقیده بنده هیچ احتیاج ندارد که از دارالمعلمین و دارالمعلمیات معلم و معلمه برایش تهیه کنیم. ما میل داریم که این دهاتی ها که خوششان پاک، فکشان پاک، هواشان پاک، احساساتشان بی آرایش، با همین آرایش با همین حسن خلقی که دارند سواد فارسی را بانها تعلیم کنند که فارسی بخوانند و بنویسند. شرعیات را بانها نشان بدهند و برای این مقصود در جمیع قراء به عقیده بنده اشخاصی هستند که بخوبی میتوانند این مسئله را انجام بدهند، یعنی معلم

وجود دارد، همان آخوندهائی که نحو و صرف و منطق و شرعیات و لغت میدانند - هر آخوندی که در هر دهی رفت و نشست و متصدی امور اهل آن ده شد لا اقل دارای يك مقدمهائی هست و بیش از آن چه از این مدارس بیرون میآیند و تحصیل کرده باشند آنها دارای این مقدمات هستند. فرض کنیم يك ده نداشته باشد. ده دیگر دارد. يك قریه نداشته باشد. قریه دیگر دارد. اگر ایران ایرانی است که بنده دیده ام و دهات دهاتی است که بنده دیده ام کمتر دهی است که آدم با سواد در آنجا نباشد و در هر صورت آقایان سواد فارسی یاد دادن، دارالمعلمین و دارالمعلمیات لازم ندارد. اگر ما بخواهیم از این پول نا قابل دارالمعلمین و دارالمعلمیات درست کنیم يك چیزی هم کسری آوریم، بهتر این است که این جزئی پول را در نظر بگیرند که منحصرأ صرف مدارس ابتدائی دهات بشود و از وجوه دیگری که انشاء الله بعد تهیه میشود و لوابجی که بعد میآورند در تمام ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعلمیات تهیه کنند. در هر صورت برای این جزئی پول هیچ لزوم ندارد ما اینجا تصویب کنیم که صرف این جور چیزها بشود و اصل موضوع از بین برود یا يك پاره اش صرف مدرسه بشود و بفرمایش یکی از آقایان اسلوبش هم باید طوری باشد که با حفظ الصحه مناسبت داشته باشد بسیار خوب البته حفظ الصحه هم لازم است.

در صورتیکه هوای ایران بهترین مری است. همان جوانها و همان بچه هائی که در دهات و قراء هستند از حسن هوا استعدادشان خیلی صحیح است و هیچ آلاشی ندارند. خوب است بهمان معلمین و معلماتی که دارند قناعت کنند. و تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمیات را بگذارند برای بعد.

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - بنده تصور نمیکنم که با این ماده هیچکس مخالف باشد زیرا که تعلیم فرغ بودن معلم است

رئیس - آقای آشتیانی

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده عقیده ام این است که مسئله اعتبار نامه آقای آقا سید علی اکبر که جزو دستور بود مطرح بشود بعد وارد لایحه تعلیمات عمومی بشوم.

رئیس - مخبر شعبه خبر را مسترد کرده است و چون بنده در این باب نظری داشتم و بنظر بنده همچو میآید که سابقه ندارد خواستم در موقع تنفس با ایشان مذاکره بشود و بعد از تنفس مطرح بشود.

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بعد از اینکه جزء دستور شد سابقه ندارد پس بگیرند

رئیس - برای مراجعه بسابقه است. خبر کمیسیون معارف راجع به تعلیمات عمومی از ماده هشتم مطرح است.

وزیر معارف - اجازه میفرمائید؟ يك تبصره بود راجع بماده پنجم که در یکی از جلسات که این لایحه مطرح بود گویا از طرف آقای معظمی پیشنهاد شد و قابل توجه شد و به کمیسیون ارجاع شد و کمیسیون هم موافقت کرده است بنده هم موافقت میکنم و تصور میکنم آن قسمت باید مقدم باشد بر این ماده

رئیس - تبصره قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره - اعزام معلم از مرکز در صورتی است که در محل تهیه نشود

رئیس - مقصود همین است

وزیر معارف - بل

رئیس - در این باب اشکالی هست یا خیر؟

(گفتند خیر)

رئیس - رأی گرفته می شود باین تبصره آقایانی که

موافقت قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

و بنده نمیدانم چطور مدرسه باید تأسیس شود و تعلیم بدهند اطفال را بدون معلم ؟ و اما اینکه میفرمایند : همه جا اشخاص با سواد هستند . این به عکس است ، اشخاص با سواد خیلی کم هستند وقتی هم که باشد به درد معلمی نمی خورد . معلمی خودش يك شغلی است که باید تحصیل کنند . هر کس که درس خوانده است نمی تواند معلمی بکند . وانگهی این تعلیماتی که حالا دایر است بر طبق پرگرام وزارت معارف و بعد هم برای مدارس دهقانی پرگرامی نوشته می شود . اینها يك طرز است که اشخاصی که تعلیم میدهند باید خودشان قبل آن طرز تعلیم را تعلیم بگیرند . و اینکه میفرمایند این جزئی وجه را نمی شود صرف این کار ها بکنند این کار يك کار نازک نیست . تعلیمات عمومی يك لوازمی دارد که اول مقدمه اش تأسیس دارالمعلمین و ایجاد معلم است زیرا مقدمه هر کاری جزء آن کار محسوب می شود و تصور نمیشود که بتوان مدرسه را بدون معلم دایر کرد . و عقیده بنده این است که این ماده یکی از موادی است که مخالفت زیادی ندارد و خوب است موافقت بشود که زودتر رأی بدهیم و تصویب شود .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

میرزا یوسف خان (عدل) - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات .

رئیس - بفرمائید .

عدل - اینکه بنده عرض میکنم مذاکرات کافی نیست . بعلمت این است که بنده يك تقاضی در بین مواد می بینم که اگر این ماده تصویب شود مخالف خواهد بود با سایر مواد و يك چیز مجملی خواهد شد خوب است اجازه بدهند بنده عرایض را عرض بکنم بعد رأی بگیرند .

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان

موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای حاج شیخ بیات پیشنهاد کرده اند که دارالمعاملات حذف شود . بفرمائید .
حاج شیخ بیات - بنده در موقعی که این لایحه در کمیسیون تنظیم می شد مخالفت کردم و عرض کردم که دارالمعاملات برای تأسیس مدارس در دهات هیچ مورد ندارد بعضی از نمایندگان - چرا ؟

حاج شیخ بیات - برای اینکه مداری که در دهات تأسیس میشود مدارس نسوان نیست

شیروانی - چرا ؟

حاج شیخ بیات - بعلاوه نازک تمام اعتبار ما در آخر پنج سال یا صد هزار تومان است . ما خیلی که زحمت بکشیم بفرمایند خود آقای وزیر معارف که اینجا فرمودند دوستان مدرسه نمیتوانیم بیشتر تأسیس کنیم . البته تأسیس مدارس برای اطفال ذکور مقدم است بعد برای اناث

شیروانی - بعکس است مادر باید تربیت کند

حاج شیخ بیات - این است که بنده با ذکر دارالمعاملات مخالفم و از این جهت پیشنهاد کردم حذف شود

وزیر معارف - در کمیسیون معارف همانطور که اظهار کردند آقای بیات موافق نبودند با تأسیس دارالمعاملات و بنده در آنجا بطور اختصار عرایضی کردم و سایر اعضاء محترم کمیسیون هم موافقت کردند . حالا هم بطور خلاصه عرض میکنم . وزارت معارف بهیچوجه نمیتواند فرق بگذارد بین ذکور و اناث و نمیتواند بگوید اول ذکور باشد بعد اناث . بلکه به عقیده بنده روزی این مملکت دارای سعادت خواهد شد که تعلیمات نسوان با دقایق لازمه در درجه اول باشد . بنا بر این چون میبینم احساسات همه آقایان موافق با این اصل است لازم نمیدانم چیزی عرض کنم و شخصاً بنده نمی توانم این پیشنهاد را قبول کنم .

رئیس - آقای مخبر هم که تشریف ندارند . رأی

میگیریم . آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند .

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای عدل قرائت می شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت از محل وجوه صدی نیم در ماده هشت حذف شود .

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده در این قانون يك اشکالی می بینم آن شب هم تذکر دادم امشب هم اجازه خواستم نوبت به بنده رسید این است که این پیشنهاد را تقدیم کردم و برای استفاده از آن میخواهم اشکال بنده را آقای وزیر معارف رفع کنند . مادراینجا دو ماده نوشتم اجماعاً یکی ماده اول و یکی ماده پنجم . در ماده اول نوشته ام که این پول را ما اختصاص میدهیم برای تأسیس مدارس ابتدائی . بعد در ماده پنجم هم برگشتیم از نو توضیح دادیم که این پول بمصارف انانیه و ساختمان و خرید عمارت و غیره میرسد . حالا در این ماده مینویسیم در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند از محل وجوه صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعاملات ابتدائی تأسیس خواهد نمود . این ماده را بنده مخالف ناماده اول و پنجم می بینم این است که میخواهم توضیح بدهند که مخالفت دارد با آن مواد باخیر ؟ اگر مخالفت ندارد بنده وقتی که حالی شدم پیشنهاد خودم را پس میگیرم .

وزیر معارف - بعقیده بنده ماده ۵ و ماده ۸ که نماینده محترم بآن اشاره فرمودند با ماده اول هیچ مخالفتی ندارد . در ماده اول بطور کلی معین شده است که این وجوه به مصرف تعلیمات ابتدائی خواهد رسید . این دو ماده تفصیل آن اجمال است و نظر این بوده است که این مبلغ در این اقلام معین مصرف شود لا غیر . و این لازم بوده است برای اینکه اگر اکتفا میکردیم به آن جمله مصرف

تعلیمات ابتدائی ممکن بود خیلی مصارف پیدا شود از این صدی نیم . ولی مخصوصاً تصریح شد که وزارت معارف از بابت وجوه حاصله صدی نیم فقط می تواند در این اقلام و این قسمتهائی که در این دو ماده تخصیص شده است مصرف کند لا غیر . بنا بر این هیچ مخالفتی ندارد و این تفصیل آن اجمال بلکه تخصیص است . بعلاوه این جمله را عرض میکنم که برای وزارت معارف هیچ فرق نمیکند که پول از محل صد نیم باشد یا از بودجه مملکتی یا از محل های دیگر . چیزی که هست این است که بودجه مملکتی در هذاه السنه فقط همان است که تقدیم مجلس شده است . عوائد اضافی ندارد و چون ندارد اگر بنا باشد که آقایان نظرشان این باشد که این صد نیم از اینجا حذف شود امسال را که دارالمعلمین نخواهیم داشت سال ۱۳۰۷ را هم نمیدانم . بنا بر این بهتر این است که آقایان موافقت کنند و به همین ترتیب تصویب شود عدل - مسترد میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی .

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۸ بقرار ذیل نوشته شود :

هر وقت وزارت معارف در مراکز ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعاملات تأسیس کرد برای دهات و قراء از کسانی که دارای تصدیق هستند اعزام خواهد نمود .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مقصود بنده این است که این جزئی وجهی که برای مدرسه ابتدائی تخصیص شده صرف دارالمعلمین و دارالمعاملات نشود و تصدیق بفرمایند که دارالمعلمین و دارالمعاملات مدرسه ابتدائی نیست در طهران هم دارالمعلمین و دارالمعاملات دارالمعلمین مدرسه ابتدائی است ؟ اگر اینطور است که بنده مسترد میکنم اگر نیست بنده عرض میکنم با اینکه مؤکداً تصریح شده که این وجه جهت مدارس

ابتدائی قراء ودهات است آوقت درماده ۸ نوشته شود برای دارالمعلمین ودارالمعلمات است وفق نمیدهد. در هر صورت شصت هزار تومان کفاف نمیدهد که ما دردهات مدارس ابتدائی داشته باشیم ودرمراکز ایالات وولایات هم دارالمعلمین ودارالمعلمات تاسیس بکنیم. خوبست عجلتاً امساله تهیه و تدارک بنا و سایر اثاثیه مدارس ابتدائی دهات را بفرمایند در سنه بعد در بودجه عمومی مملکت انشاءالله دارالمعلمین ودارالمعلمات را در نظر بگیرند و بعد از اینکه اشخاص را تربیت کردند آنها را بقرآ ودهات بفرستند و باز هم عرض میکنم که با اینجاده مدرسه ابتدائی قراء ودهات ازین خواهد رفت و هیچ موضوع نخواهد داشت

رئیس - آقای دشتی

دشتی - فرمایش آقای کازرونی بیشتر شبیه است بآن کسیکه میخواست صورت شیر را روی دستش با خال بکوبد بعدگفت دم لازم ندارد، پا لازم ندارد. شیرینی دم و اشکم که نمیشود. بزرگترین نقص اساسی معارف ما این است که ما معلم نداریم. معلم غیر از این است که سواد داشته باشد. ما بیشتر از همه چیز در مدارس محتاج بتربیت اخلاقی هستیم که نسل آتیه را بافضائی که برای يك ملت راقی لازم است تربیت کند و این چیزی است که معلم لازم دارد و چیز مضحکی است که بگوئیم معارف عمومی درست بکنیم، مدرسه داشته باشیم. ولی معلم نداشته باشیم، اگر بنا باشد ما امسال هم مدرسه تاسیس نکنیم قبل از همه چیز باید دارالمعلمین تاسیس کرد مثل دارالمعلمین های اروپا که معلمین خوب تربیت کنند معلم باید پسیکولوژی و علم تربیت را خوب بداند که شاگرد را خوب تربیت کند والا نتیجه اش خوب نمیشود و يك شاگردانی ماهیه خواهیم کرد که نتیجه اش همانطور میشود که آقای کازرونی مذمت میکردند و اینها نتیجه نداشتن معلم است و مقدم بر هر چیز داشتن معلم است. رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن

پیشنهاد آقای کازرونی آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای زعیم

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح ماده هشتم را به شرح ذیل پیشنهاد می کنم:

ماده ۸ - وزارت معارف مجاز است ارمحل عوائد صد نیم در کلیه نقاطی که صلاح و مقتضی میدانند کلاسهای اکار برای آشنا کردن معلمین و معلمات بطرز تدریسات جدید تاسیس نماید.

رئیس - آقای زعیم

سید حسنخان (زعیم) - دراینکه همانطور که آقای دشتی فرمودند تدریس و تعلیم بشاگرد محتاج معلم است هیچ شك نیست بنده هم موافقم که برای تربیت معلم شاگرد بدارالمعلمین های اروپا بفرستند. یعنی معلمین خوب اینجارا باروپا بفرستند که طرز تعلیم و تدریس را یاد بگیرند. اما نقطه نظری که در اینجا هست برای تربیت اطفال دهاتی است که شاید تا کلاس چهار این چند ساله بالا نروند. برای این عمل ما باید يك کاری بکنیم که خیلی زود دست رس باشد به معلمین که بتوانند ابقاء این وظیفه را بکنند مفهوم تاسیس دارالمعلمین ودارالمعلمات این است که اطفال را تدریجاً در ظرف چند سال تربیت کنند برای معلمی و این نمیرسد به این کاری که ما عجلتاً در دست داریم در صورتیکه در دهات و قصبات اغلب دیده ایم که خود مکتب دارهائی که نسبتاً پایه معلوماتشان از حیث عربی و فارسی و ادبیات خوب است و شاید از شاگردهائی که از دارالمعلمین در می آیند و ما دیده ایم بهتر است. همینطور طلاب علوم دینی هستند که در مدارس قدیمه به اصطلاح دود چراغ خورده اند و يك تحصیلاتی

کرده اند و انصافاً فارسی و عربی شان خیلی خوب است منتها چیزی که هست شاید از عهده تدریسات بوضع جدید بیرون نیایند و برای این کار بنده پیشنهاد کردم که يك کلاسهای اکاری در هر نقطه که وزارت معارف صلاح میدانند در مراکز مهمه ایالات وولایات درست کنند که آن معلمین که پایه تعلیمات را دارند در آن کلاسها بروند و شاید در عرض دو سه ماه يك عده معلم حاضر و خوب که بدرد دهات بخورند داشته باشیم و اگر مردم استخاره هم بخواهند بکنند آنها بتوانند و با اگر يك استفسار علمی هم از آنها شد بتوانند جواب بدهند و این ترتیب بنظر بنده خیلی عملی می آید خرجش هم زیاد نیست و با این بودجه ناقابل که برای این کار هست اگر بخواهیم دارالمعلمین و دارالمعلمات در مراکز مهمه ایالات و ولایات درست کنیم گمان می کنم اصلاً به هیچ کار دیگری نسیم. این بود پیشنهاد بنده.

وزیر معارف - در یکی از جلسات گذشته عرض کردم حالا هم بطور اختصار عرض میکنم برای تهیه معلم که یکی از پایه های مهم معارف مملکت است اگر وزارت معارف بخواهد موفق شود و آتیه معارفی این مملکت را تأمین کند متوازیاً سه اقدام باید بکند و اگر اکتفا به یکی یا دوتا کرد باز ناقص است. یکی از آن سه اقدام تاسیس دارالمعلمین ابتدائی است یعنی مدرسه که در آن معلم برای مدارس ابتدائی تهیه میشود. اگر امسال وزارت معارف موفق شد به تاسیس اینگونه دارالمعلمین ها در مراکز مهمه ایالات و ولایات چند صورت پیدا خواهد کرد. چون دوره اختصاصی دارالمعلمین ابتدائی که باید آن قسمتهای تعلیمی و تربیتی را یاد بگیرند يك سال بیشتر نیست بنابر این درمراکزی که مدرسه متوسطه باشد یا سه کلاسه متوسطه باشد دوره دارالمعلمین ممکن است يك سال بیشتر طول نکشد چون شرط حتمی این است که شاگردی که در دارالمعلمین ابتدائی وارد میشود اقل

معلومات سه کلاسه متوسطه را داشته باشد. در طهران اگر بخواهیم دارالمعلمین ابتدائی دائر کنیم یا دارالمعلمین فعلی را توسعه بدهیم ناچار باید شاگردانی به آنجا بفرستیم که سه ساله متوسطه را طی کرده باشند بنابر این در هر مرکزی که این وضعیت باشد بیش از يك سال طول نمی کشد اما در مراکزی که نیست و فقط مدارس ابتدائی هست یا يك مدارس متوسطه هست که يك کلاس یا دو کلاس بیشتر ندارد آنجا دوره اش چهار سال باید طول بکشد که سه ساله متوسطه را آنجا تحصیل کنند بعد هم آن سال آخر را در دارالمعلمین هائی که باین ترتیب امسال تاسیس میشود بطور کلی رویمرفته بعد از سه چهار سال نتیجه برای این مملکت خواهد داشت. خوب در این سه سال چه باید کرد؟ باید بهمین وضعیت امروزه اکتفا کرد و منتظر شد که سه سال دیگر از این دارالمعلمین های ابتدائی شاگرد بیرون بیاید؟ خیر این کافی نیست به اینجهت وزارت معارف معتقد است در عین اینکه دارالمعلمین های ابتدائی در مراکز مهمه ایالات و ولایات تاسیس میکنند همانطور که آقای زعیم فرمودند کلاس های اکار شبانه هم تاسیس کنند که آنهائی که امروز متصدی امر تعلیم هستند بروند آنجا و آن قسمت های اختصاصی دارالمعلمین را تعلیم بگیرند و اگر از حیث تعلیم هم نقایصی دارند در آنجا یاد بگیرند و البته این دوره اش سه سال طول نمی کشد و تصور میکنم يك سال کافی باشد. باز این دو قسم هم بطور قطع کافی نیست برای مملکت مگر اینکه قسم سوم هم انجام بگیرد. ما باید معلمین عالی مقام برای پداگوژی و تربیت و تعلیم از خارج استخدام کنیم و با اینکه چندین سال يك عده از اشخاص لایق بفرستیم بخارج که اصول تعلیم و تربیت را یاد بگیرند و بعد معلم همین مدارس بشوند. این سه طریق است و هر سه طریق هم باید متوازیاً و توأمأ اقدام شود تا در آتیه معارف ایران سر و صورتی پیدا کند و اگر بنا شود اکتفا به يك قسمتش بشود کافی نیست. و اینکه میفرمایند این پول

فقط مصرف خرج اینها میشود این طور نیست. مخارجش اینقدرها زیاد نخواهد بود که سکنه زیادی وارد بیاورد بنا بر این تصور میکنم که نظر ایشان تا مین خواهد شد و اگر موافقت بفرمایند بهتر است. بعلاوه دو سه تا لایحه دیگر هم راجع به معارف هست و بهتر این است آقایان موافقت بفرمایند زود تر بگذرد که وسائل پیشرفت کار معارف فراهم شود و بنده هم که همیشه امتنان داشته‌ام بیشتر ممنون خواهم شد.

زعیم - مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای کازرونی.

(اینطور خوانده شد)

ماده هشت را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم؛ ماده هشم وزارت معارف مکلف است معالمن و معلمات برای مدارس ابتدائی دهات و قراء در مراکز ایالات و ولایات تهیه نماید

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده تعجب میکنم که يك قسمت اعظم از عرایض بنده متخذ از اظهارات آقای دشتی بود که خودشان به بنده میفرمودند بهتر این است اهالی قراء با همان حال طبیعی و روح آزادی که دارند بدون اینکه اخلاق در آنها تزریق بشود باشد. حالاً بنده را تنها میگذازند و بر خلاف بنده اظهار میدارند کار ندارم ولی مقصودی که بنده دارم عین همان مقصودی است که ایشان دارند. مقصود بنده این است که محصلین قراء و دهات از مدرسه که بیرون میآیند دارای همان مزایائی باشند که محصلین اینجا باید دارا باشند. ایرانی پاک بی آرایش باشند. میفرمایند معلم میخواهند. البته معلم میخواهند. من نگفتم خود بخود يك کسی از غیب علم را بیاورد و بآنها تزریق کند. بنده عرض کردم آخوند هائی که در دهات و قراء هستند اینها دارای معلومات هستند. همین آقای وزیر معارف که ما امروز داریم و دارای معلومات فوق‌العاده هستند که ما بوجدش

افتخار میکنیم در مدارس قدیم و بطرز قدیم تربیت شده اند و هزارها از این قبیل عالم و فاضل و حکیم و دانشمند داشته و داریم و خواهیم داشت. ما يك ملت نازه متولدنی نیستیم که برای الف با یاد دادن معلم از خارجه بیاوریم. الف با یاد دادن اینهمه آب و تاب و پیچ و تاب چرا؟ ما غرضمان این است که سواد فارسی بآنها یاد بدهیم که بتوانند بنویسند و بخوانند. برای اینکار معلم پیدا نمیشود!

در هر صورت پیشنهاد بنده مختصراً این است. البته وزارت معارف مکلف است در مراکز ایالات و ولایات دار المعالمن هائی و دار المعلمات هائی تهیه کند لکن این مدارس ابتدائی معطل میمانند. بهتر این است فعلاً آن مدارس ابتدائی را دائر کنند بعد که معلم هم تهیه شد بفرستند برای دهات منافاتی هم ندارد

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم که بدبختانه ما چشممان را روی هم میگذاریم و هیچ جای دنیا را نمی بینیم. عرض کنم تمام آن آخوند هائی که فرمودند در مدارس قدیمه تحصیل کرده اند بدرد دنیای امروزه نمیخورند که تمام ملکات و فضائل را که برای دنیای امروزه لازم است دارا باشند...

آقا سید یعقوب - بملأها و آخوندها چکار دارید! حرف خودتارا بزنی

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - (خطاب بآقای دشتی) بکطوری بگوئید که

اسباب سوء تفاهم نشود

آقا سید یعقوب - به آخوندها چکار دارند! این چه زبانی است!

رئیس - يك طوری خواهند گفت که سوء تفاهم نشود.

دشتی - موضوع سر آخوند های مکتبی بود نه علماء.

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هشتم این نوع اصلاح شود:

دارالمعالمن و دارالمعلمات در قصبات و دهات از محل وجوه صدی نیم در تحت نظر وزارت معارف تأسیس خواهد شد. آقا سید یعقوب - بنده در اصل تأسیس دارالمعالمن و دارالمعلمات مخالفت ندارم. مسلماً همانطور که اظهار شده هرکاری مقدمات دارد چنانکه يك شرحی هم آقای مدرس بیان کردند در مسئله ساختمان که بنده کاملاً موافق بودم. هرکاری که میخواهیم بکنیم ابتدا باید مقدمات آرا طوری مرتب بکنیم که به نتیجه برسیم نه اینقدر ولع داشته باشیم رسیدن به نتیجه که بدون طی مقدمات باشکال بر بخوریم در هر صورت مسلماً معارف عمومی را در تمام ایران منتشر کردن با اینکه دارالمعالمن و دارالمعلمات نداشته باشد ممکن نیست لکن يك نکته اساسی است همانطور که ما در مراکز و شهرها بودیم و دیدیم گمان میکنم کسی منکر نباشد که ایالات و ولایات يك حقوقی از دولت اتخاذ میکنند که قصبات و دهات آن حقوق را نمیگیرند و در دوره پنجم هم که مجلس با يك شغف و میلی این لایحه را رأی داد و این لایحه را گذراندند مجلس نظرش کلیه به دهات و قصبات بود که از منافع مرکز محرومند همان اصطلاحی است که میگویند که هرکس نزدیکتر به بخاری است بیشتر گرم میشود. در بیانات آقای وزیر معارف هم همین بود که این صدی نیم حقیقه تعلق دارد به دهات برای خاطر اینکه بودجه وزارت معارف در واقع مصرفش در مراکز و طهران است و در ایالات و ولایات. مثلاً در آذربایجان آن اندازه که در شهر آذربایجان توجه میشود بمعارف در دهاتش نمیشود. حالا آذربایجان را نمیگویم فارس را میگویم. در شهر شیراز وزارت معارف تأسیساتی که دارد در دهات و قصبات ندارد، ما برای اینکه قصبات و دهات را از منافع و منافع مرکز بهره مند کنیم آمدیم گفتیم يك وجه

آقای آقا سید یعقوب میخواهی سوادت را بخرج من بدهی؟! میخواهید خردارایش از من علاقه مند بقیام روحانیت نشان بدهید؟ من محو در عالم روحانیت هستم بنده باشما در هر محضری حاضر هستم مذاکره کنم در هر صورت آقای کازرونی فرمودند آخوندهای مکتبی بدرد مدرسه نمیخورند بنده عرض میکنم نمیخورند. برای مملکت مدرسه لازم است. ما از مدرسه چه میخواهیم؟ ما میخواهیم در این مدارس محصلی تهیه و تربیت شود که بتواند بانسل زنده و متحرک امروز دنیا مقابله کند؟

یعنی بتواند در مقابل انگلیسی در مقابل آلمانی عرض وجود بکنند و در صنعت و علم و معارف مقاومت بکنند و این نمیشود مگر اینکه معلم داشته باشیم که بتواند روح ایمان و روح وطن پرستی را در آنها تربیت کند و آنها را با اعتماد بنفس و تولید ثروت تشویق کند نه اینکه آنها را دست شکسته بار بیاورد و همانطور که آقای کازرونی خودشان فرمودند که یکی از خصوصیات این مدارس این است که اشخاصی که از آنجا بیرون میآیند همه میخواهند نوکر دولت بشوند. باید طوری اینها را تربیت بکنند که وقتی آمدند بیرون تولید ثروت بکنند و با يك ملکات فاضله زندگی کنند و این نمیشود مگر بوسیله دارالمعالمن عالی. البته با این پول کمی که ما امروز داریم ممکن است همانطوریکه آقای وزیر معارف فرمودند يك کلاسهای اکابری تشکیل بشود و باینها یاد بدهند که اینها رفع احتیاج را بکنند ولی در قانون باید حتماً نوشته بشود که از همین محل که برای تعلیمات عمومی است دارالمعالمن عالی برای معالمن مدرسه ابتدائی تشکیل بشود که بتواند شاگرد را طوری که ما میخواهیم بیرون بدهد نه اینکه هوجی بیرون بدهد که در عین بی سوادی ادعای فضل بکند.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

در خصوصی را از مالیات در نظر میگیریم که در واقع این بمنزله يك وقف خاص میشود که این مختص بيك محل مخصوص باشد. ایالات و ولایات و مراکز آنها که در واقع کرسی نشین حکومتها و فرمانفرمایان است وزارت معارف آنها را بخوبی در بودجه اش ناچار است که تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات بکنند. اگر بفرمائید بودجه ندارد بنده استدعا میکنم از ایشان که لایحه پیشنهاد بکنند و مجلس هم موافق است که در تمام ایالات و ولایات از اصل بودجه وزارت معارف در آنجا تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات بشود. اما قصابات و دهات را را چون دیدیم معارف در آنجا نیست با اگر هست کم است آمدیم گفتیم صدی نیم

زوار - ماده شصت و سه را در نظر بگیرید.

آقا سید یعقوب - پیشنهاد نیست. اصل ماده است که پیشنهاد کردم. در اینجا آمدیم گفتیم که از این صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعاملات در دهات و قصابات تأسیس کنند نه اینکه در مراکز ایالات و ولایات که باز دهات و قراء محروم بمانند. قسمت مراکز ایالات و ولایات در عهده وزارت معارف است که تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات برای آنها بکنند. این بوده است نظر بنده.

وزیر معارف - تأسیس دارالمعلمین ابتدائی که در دهات هیچوجه من الوجوه عملی نیست و معقول نیست در قصابات آن قصابات مهمه که مرکز يك ولایت یا يك ناحیه باشد اگر موجبات تأسیس دارالمعلمین در آنجا فراهم باشد البته خواهد شد ولی اینطور که نماینده محترم تصور کردند که اگر چنانچه دارالمعلمین ابتدائی در مراکز ایالات و ولایات تأسیس بشود اختصاص خواهد داشت بآنجا و به قصابات و قراء نخواهد رسید این طور نیست برای اینکه بنده يك حسابی میکنم. فرض بفرمائید در ۱۰ نقطه از نقاط ایران اقلش (ولی شاید بیشتر باشد) دارالمعلمین ایجاد بشود بعد که دوره اش تمام شد سالی در حدود دو بیست و پنجاه الی سیصد نفر معلم بیرون میآید

فرض بفرمائید سالی سی معلم از شیراز بیرون بیاید خود شیراز که اینقدر گنجایش ندارد طبعاً این معلمینی که از دارالمعلمین شیراز سالی بیست و پنج نفر سی نفر چهار نفر بیرون آمده اند باید در دهات و قراء تقسیم بشوند این يك امر مسلمی است که باید اینها باطراف منتشر بشوند و الا اینها يك عمل لغوی است و يك وجود زایدی است بنا بر این تصور میکنم مقصود همین طوریکه در لایحه پیش بینی شده است بهتر تأمین بشود.

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قایل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قایل توجه نشد. پیشنهاد آقای بیات (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هشتم را بشرح ذیل اصلاح و پیشنهاد مینماید ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ از محل وجوه صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعاملات (برای تهیه معلم مدرسه ابتدائی که در این قانون معین شده تأسیس خواهد نمود و در سنه ۱۳۰۸ در صورت لزوم مخارج آنها در جزو بودجه مملکتی باید منظور شود.

رئیس - آقای بیات. بفرمائید.

مرفضی قلیخان بیات - اساساً در این موضوع مذاکرات مفصلی در مجلس شد و بنده هم سعی میکنم که بطور مختصر عرض بکنم. قسمت تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات البته يك چیز مهمی است و اول قدمی است که باید برای اصلاح معارف برداشت زیرا تا معلم نداشته باشیم نمیتوانیم قدمی برای اصلاح معارف برداریم. این را کمان نمیکم هیچکس منکر باشد. ولی البته محل خرجی که معین میشود آن را هم باید در نظر داشت. يك پولی است برای

تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات داده میشود. يك پولی است برای مخارج مدارس. اینجا بعقیده بنده این وجه از برای مخارج مدارس و تحصیل ابتدائی است که در دهات بمصرف رسد. البته حالا چون ممکن است آقای وزیر معارف اظهار بفرمایند که در این دو سنه بودجه مملکتی گنجایش ندارد و معلم هم باید داشته باشیم تا این مدارس را تأسیس کنیم باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ از همین وجوه تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات بشود برای اینکه شاید در بودجه مملکتی نتوانند از برای آن محل وجهی تهیه بکنند ولی چون آن وجوه همانطور که در ماده اول قید شده باید وجه هر محلی بمصرف معارف همان محل برسد باینجهت آنوقت اشکال پیدا نمیکند این پول را از آن محل دادن. زیرا تناسب تقسیم این پول به دارالمعلمین و دارالمعاملات ها اسباب اشکال خواهد شد. این پول را دهات میدهد مال هر دهی هم باید صرف آن مدرسه بشود که برای همان ده درست میشود و اگر بخواهند تقسیم کنند اسباب زحمت خود وزارت معارف خواهد شد. در دو ساله اول که پول کمتر است و وزارت عالی بطور تخمین پول میدهد ممکن است این دارالمعلمین را از این پول تأسیس کنند و پوایش را از این وجوه بدهند. بعد از این دو سال که تقریباً وجوه بطور کلی پرداخته میشود در نظر بگیرند که مخارج این دارالمعلمین و دارالمعاملات که لازم است تأسیس شود در جزو بودجه شان بیآورند که عجلتاً دولت از این وجوهی که دارد امسال و سال آینده مخارج آنها را بدهد و بعد از آن محل داده شود و باین ترتیب رفع اشکال میشود.

رئیس - آقای احتشام زاده عضو کمیسیون هستید؟

احتشام زاده - خیر.

رئیس - آقای طاهری.

ذکر طاهری - همینطور صدی نیمی که تصویب

شده باید صرف تعلیمات ابتدائی بشود و نباید بمصرف دیگری برسد موجهی ندارد که از پول دیگری صرف تعلیمات عمومی بشود. بودجه عمومی معارف عجلتاً محل ندارد و صدی نیم که وضع شده برای مدارس ابتدائی و تعلیمات عمومی است و بودجه عمومی معارف که دیگر صرف معلم نمیشود و جهت ندارد که از بودجه مدارس دیگر بردارند و صرف دارالمعلمین بکنند همینطور که تعلیمات ابتدائی را مجلس تصویب میکند از صدی نیم این عایدات بردارند و صرف آن بکنند. از وجوه دیگری هم نمیشود صرف اینکار کرد مثل این است که يك عمارتی را ما اجازه بدهیم بسازند. عمارت آجر میخواهد. گچ میخواهد. اینها از لوازمات عمارت است. دارالمعلمین و دارالمعاملات هم از لوازم تعلیمات ابتدائی است و اول قدمی که باید برداشته شود این قدم است که دارالمعلمین بخصوص برای مدارس ابتدائی باید اول در مملکت تأسیس شود. وزیر معارف - آن قسمت آخر پیشنهاد آقای بیات که قید کرده اند در صورت لزوم برای بعد از سنه ۱۳۰۸ دارالمعلمین از بودجه مملکتی تأسیس خواهد شد آن را بنده نمیتوانم قبول کنم و تصور میکنم ضرورتی هم ندارد که برای سه سال دیگر از امروز فکر بکنیم ولی برای اینکه زودتر باین پیشنهادات خاتمه داده بشود اگر موافقت بفرمایند که آن قسمت حذف شود. برای همان سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بنده هم موافقت میکنم بعد در سنه ۱۳۰۸ البته اگر مقتضی شد از بودجه مملکتی و اگر نشد از همین جا مجلس وقت تصویب خواهد نمود.

بیات - اجازه میفرمائید بنده هم حذف آن قسمت اخیر را قبول میکنم.

وزیر معارف - بکمر تبه دیگر بخوانند.

رئیس - قسمت باقی مانده قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هشتم را بشرح ذیل اصلاح و پیشنهاد میباید
ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر
نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه ۱۳۰۶
و سنه ۱۳۰۷ از محل وجود صدی نیم دارالمعلمین و
دارالمعلمین (برای تهیه معلم مدرسه ابتدائی که در
این قانون معین شده) تأسیس خواهد نمود .

رئیس - (خطاب به آقای وزیر معارف) مقصود
همین قسمت است ؟
وزیر معارف - بلی . کلمه ابتدائی هم باید بعد از ذکر
دارالمعلمین اضافه شود اینجا مطلق نوشته شده است
این یکی . یکی دیگر هم اینکه در بین اهلایلین کلمه معلمه
هم بعد از معلم اضافه شود بهتر است : معلم و معلمه .
(مجدداً بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر
نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه
۱۳۰۶ و سنه ۱۳۰۷ از محل وجود صدی نیم دارالمعلمین
و دارالمعلمین ابتدائی (برای تهیه معلم و معلمه مدرسه
ابتدائی که در این قانون معین شده) تأسیس خواهد
نمود .

رئیس - آقای بیات باین ترتیب قبول دارید ؟
بیات - بلی .
رئیس - رأی قطعی گرفته میشود به ماده هشت .
آقایان موافقین قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده الحاقیه پیشنهادی آقای
شریعت زاده
(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم
تبصره - وزارت معارف مجاز است از عایدات موقوفات
مجهول المصرف و موقوفات راجعه بمطلق خیرات وسایل
ساختن ابنیه و عمارات لازمه را برای مدارس ابتدائی

فراهم نماید
رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - خلاصه پیشنهاد بنده این بود که
وزارت معارف اجازه داشته باشد از عایدات موقوفات
راجعه بخیرات مطلقه و موقوفاتی که مصارفش معین نیست
ابنیه و عمارات برای مدارس ابتدائی تهیه کند ؛ البته
آقایان محترم تصدیق خواهند فرمود که آن فکر مقدس
که مسئله خیرات و مبرات را تشکیل میدهد نقطه نظرش
این بوده که بسعادت جامعه کمک بکند و بنابراین حتی الامکان
باید سعی کرد که این قبیل اوقاف برای مواردی صرف
بشود که بسعادت آتیہ مملکت کمک بکند و نفع یکعمده
افراد ایرانی که بتوانند وظایف خودشان را در آتیہ انجام
بکنند باشد . این بود که بنده پیشنهاد کردم در این قسمت
وزارت معارف مجاز باشد که از عایدات این قبیل موقوفات
در حدود مقررات اداری برای ساختمان ابنیه برای
مدارس ابتدائی در تمام مملکت اقدامات بکند و امیدوارم
که آقایان با اهمیت این پیشنهاد توجه بکنند و موافقت
فرمایند .

بیات - بکدفعه دیگر قرائت شود
(مجدداً خوانده شد)

رئیس - آقای حاج شیخ بیات
حاج شیخ بیات - بنده اولاً تعجب میکنم از آقای شریعت
زاده که چطور تصور فرمودند که ما در ایران يك موقوفات
مجهول المصرف داریم ! برای اینکه هر موقوفه يك واقفی دارد
هیچ واقفی ملکی را مجهول المصرف نمیکند . این اولاً
و ثانیاً عموم وقفهائی که در ایران شده هیچیک از
واقفین نقطه نظرشان این نبوده (چه آنهاست که وقفنامه
ها شان امروز در دست باشد چه نباشد) که امروز ما
بیائیم منافع آنها را به مصرف ابنیه مدارس ابتدائی
برسانیم گذشته از اینکه با اساس عقیده ما مخالفت دارد
پیشنهاد آقای . برای اینکه گفته اند وقف باید بحسب
ترتیب و قرارداد واقف عمل بشود . اساساً گمان

میکنم مجلس نتواند يك چنین ماده را بعنوان
قانون بگذراند . چرا ؟ برای اینکه مخالف است
با اساس عقیده مذهبی ما زیرا هر وقت باید مطابق قرارداد
واقف خودش بمصرف خودش برسد چه رسد باینکه
امروز ما فقرا مان در میان خیابانها از گرسنگی تلف
میشوند ما موقوفاتمان را در عوض خرج آنها بکیریم بنا
بمازیم آجر روی هم بگذاریم باسم اینکه در آتیہ
میخواهیم مدارس داشته باشیم این است که بنده عقیده مند
نیستم که پیشنهاد آقا موقعیت داشته باشد .

وزیر معارف - يك قسم از موقوفات است . . . (البته
آقای بیات توجه میفرمایند) بنده نمی خواهم در این
مبحث وارد بشوم و موقع مقتضی نیست ولی بکقسمت
از موقوفات است که عوائدش وقف است بمطلق خیرات
و مبرات بنابر این تشخیص اینکه در هر دوره و در هر عصری
کدام قسمت از مبرات مقدم است . . .

حاج شیخ بیات - باعلماء است .
وزیر معارف - خیر باعلماء نیست ؛ بعلاوه اینجا هم
علماء هستند . بنده تصور میکنم یکی از خیرات مبرات و بریانی
که امروز در درجه اول از اهمیت باشد . . .

حاج شیخ بیات - جمع آوری فقر است .
وزیر معارف - این است که بهمان فقرا و باولاد همان
فقرا تعلیم داد . . .

حاج شیخ بیات - در صورتیکه نگیرند .
وزیر معارف - اجازه بدهید . بنده معتقدم که از
عوائد اوقاف باید مدارس اختصاصی اوقافی تأسیس کرد
و اولاد این فقرا را برد آنجا . . .

حاج شیخ بیات - ولی حالا پولش کجا است ؟
وزیر معارف - در هر حال نه شما عصبانی بشوید
بنده هم عصبانی نمیشوم علی ای حال نظر ایشان این است
که عوائد موقوفاتی که تخصیص دارد به بریات و خیرات
اینها البته يك چیزی است و اینهم مستلزم این نیست
که تمامش را اختصاص بدهند به بنای مدرسه . نه . البته

عملی شدن این مسئله هم کار آسانی نیست . این را بنده
تصدیق میکنم ولی اگر آقایان توجه بفرمایند يك
اختیاراتی هم در قانون اساسی معارف در دوره دوم
مجلس برای وزارت معارف تصویب کرده است که در این
حدود است نهایت این ماده الحاقیه تا کبید میکنند و بنده
خیال نمیکنم که يك تناقض و تعارضی بین این
ماده الحاقیه با آن وظایفی که در آن قانون برای
وزارت معارف و اوقاف معین شده است باشد
و قسمت موقوفات را خود آقایان میدانند بنده نمیخواهم داخل
در این باب بشوم که آن استدلالی که کردند که حسب
ما اوقفها اهلها در صدی نود بر خلاف این است . در
صدی ده اگر يك عده از اشخاص متدین باشند که ذی
نفع و ذی حق در دخالت در آن موقوفات هستند موقوفات
را بمصرفی که واقف معین کرده رسانند . و این راه
عرض بکنم که خالی از فائده نیست . مطابق اطلاعاتی
که بنده از وزارت معارف و اوقاف دارم تمام متولی
ها هم از اهل علم نیستند کلاهی هائی هم داریم که داخل
در این قسمت هستند . . .

مدرس - صدی نودش کلاهی است .
وزیر معارف - بلکه علماء و اهل علم و معممین
که متصدی موقوفات هستند يك نسبت قلیلی دارند بنابر
این این خودش يك مصرف و موضوعی است که تصور
نمیکم باین زودی هم بتوانیم باین کار اقدام بکنیم . و
همین فردا هم وزارت معارف موفق نمیشود به ضبطش و
اگر آقایان مراقبت بکنند این خودش يك چیزی است
و گمان میکنم مخالفت با شریعت هم نداشته باشد .

رئیس - آقای کازرونی عضو کمیسیون هستید ؟
کازرونی - خیر . ماده است آقا .

رئیس - آقای شریعت زاده هم اجازه خواسته اند
ولی گویا نظامنامه اجازه نمیدهد .
شریعت زاده - این از مواردی است که چون آقای
بیات توضیحات بنده را برایش تعبیر و تفسیر مخصوصی

گرددند که منظور نظرم نبود. باین جهت باید توضیح بدهم.
رئیس -- رأی میگیریم. ماده الحاقیه پیشنهاد آقای شریعت زاده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مدرس.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه -- از صدی نیم وزارت معارف مجاز است در تاقاطی که صلاح و مقتضی میدانند در دهات و قراء مدرسه ابتدائی اکابر تاسیس نماید.

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- چون پیشنهاد است باید مختصر صحبت داشت ولی چون بنده حال نداشتم اینجا آمدم که عرض بنده با آقایان برسد. در این چند سال هر چه صحبت معارف شده است و هر چه اظهار حرارت شده است بنده در معارف مخصوص حرفی نزده ام. فقط در قانون اساسی معارف که در دوره دوم بود آنجا دو کلمه عرض کردم. نکته اینکه هیچ بار عرض نکرده ام بواسطه این بوده که چیز یاد گرفتن از بس واضح است عقلاً و دیانتاً خجالت منکشیدم. که برخیزم و بگویم این را باید توسعه اش داد مسئله خیلی بدیهی است و دیانتاً هم عقیده ما بر این است که از هر چیزی مقدم است. یعنی اول کلمه که میشود نسبت داد بصاحب شریعت ما علم است دیگر حالانکه یاد بگیرد یکی یاد نگیرد اینها بواسطه محظورات است البته.

تیغ دادن در کف زنگی مست به که دادن علم را تا کن بدست البته علم که بهترین چیزها است اگر دست ناکس افتاد یعنی بد اخلاق مضرات فایده ندارد. حیوانات بمنزله ما هر کدام معلم شدند قیمت پیدا میکنند مثل بک سگ معلم تربیت شده دبه دارد. مثل انسان که دبه دارد بک معلم هم دبه دازد این بواسطه شرافت علم است. پس این یاد بگیرد.

او یاد نگیرد اینها همه بواسطه عوارض است. پیشنهاد بنده که بک لفظش خوب است عوض شود. (مدرس اکابر) است که خوب است (کلاس اکابر) بشود. و اما اصل پیشنهاد بنده این است که شما در دهات و قراء میخواهید اطفال را تربیت کنید بدیهی است هر پدر و مادری آن چیزی که خودش دارد میل دارد حتماً اولادش هم صاحب آن هنر بشود (بعضی از نمایندگان صحیح است) این را هر کسی ولو اینکه از هنرش هم نفی نبرده باشد بالطبع مایل است که طفلش صاحب آن هنر باشد. بنده گمان میکنم از همین مصرفی که فرمودند و وزارت معارف در نظر گرفته اند که مدارس در قراء تاسیس کنند در عرض همین مدارس (نمیگویم دستگاه جدیدی) در عرض همان مدارس کلاس اکابری تهیه کنند بواسطه همان معامی که برای آن مدرسه معین میکنند یا دیگری پدر و مادر آن بچه ها را وقتهایی که کار ندارند درس بدهند غالباً مثلاً رعایا زمستانها کار نمیکنند زمستانها اگر کسی باشد در شان بدهد حاضر خواهند بود. اگر کلاس اکابری تشکیل داده بشود بواسطه آن مقصودی که ما داریم که اطفال تحصیل بکنند و سواد یاد بگیرند این خودش دو درجه باین کار کمک میکند بجهت اینکه اگر پدر یاد گرفت که بسم الله را درست بگوید اولاد او هم قهراً بهتر یاد میگیرد. مقصود من از این پیشنهاد نه این است که بک دستگاه جدید و معلم جدید و مدرسه جدیدی و معلم جدیدی و این تفصیلهای باشد. همان تفصیلی که معین میفرمائید یا زیادتی حقوق یا زیادتی لوازم کلاس اکابری تشکیل بدهند که در عرض آن که اطفال را تربیت میکنند آن بزرگها را هم بک تعلیمی بدهند. این است پیشنهاد بنده.

وزیر معارف -- بنده کاملاً موافقم با این پیشنهاد. فقط همان طور که خودشان اشاره کردند لفظ مدرسه تبدیل بکلاس شود.

رئیس -- (مدرسه) تبدیل میشود به (کلاس) بعضی از نمایندگان -- بکمرته دیگر قرائت شود (پیشنهاد آقای مدرس با تبدیل کلمه (مدرسه) به (کلاس) مجدداً قرائت شد)

رئیس -- ماده پیشنهادی آقای شریعت زاده ماده پنجم میشود و این ماده ماده دهم آقایانیکه با این ماده موافقت قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده یازدهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم -- وزارت معارف مأمور اجرای این قانون و وزارت مالیه مسئول پرداخت وجوه مذکوره در این قانون میباشد.

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسینخان -- بنده بک ماده الحاقیه پیشنهاد کرده بودم گمان میکنم قبل از این ماده باید مطرح شود گویا فراموش شده است

رئیس -- رسیده است. تجدید بفرمائید بعد از این ماده رأی میگیریم. در ماده یازده اشکالی هست؟ (گفته شد خیر)

رئیس -- آقای فهیمی پیشنهاد کرده اند که بجای وزارت معارف و وزارت مالیه نوشته شود وزیر معارف و وزیر مالیه.

(خطاب به آقای فهیمی) بفرمائید.

فهیمی -- در این ماده نوشته شده است وزارت معارف مأمور اجرا و وزارت مالیه مسئول پرداخت وجود است. مسؤل و مأمور اجرای قانون وزیر است نه وزارتخانه اگر مجلس بخواهد برای نقض قانون استیضاح کند از وزیر میکند نه از وزارتخانه بنا بر این بنده پیشنهاد کردم بجای وزارتخانه نوشته شود وزیر.

وزیر معارف -- وزارت معارف یا وزارت مالیه هم که گفته میشود مقصود آن مؤسسه نیست. مقصود آن کسی است که مسؤل آن مؤسسه است. مسؤل آن مؤسسه در درجه اول البته شخص وزیر است ولی کلمه وزیر را اگر اینجا قید کنند آنوقت باید کلمه کفیل را هم پشت سرش قید کنند ولی گمان میکنم با همین کلمه وزارت معارف و وزارت مالیه مقصود ایشان نامین بشود.

رئیس -- رأی میگیریم. آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. ماده الحاقیه پیشنهاد آقای امیر حسینخان (اینطور خوانده شد)

ماده الحاقیه -- وزارت معارف مکلف است که از وجوه مذکوره در ماده اول مدارس ابتدائی سیار بجهت ایلات تاسیس نماید.

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان -- بنده در خارج هم به آقای وزیر معارف در اینباب صحبت نمودم و ایشان هم با اندازه موافقت کردند اساساً عقیده دارم ایلات که بک قسمت مهم از مملکت را تشکیل میدهند علت ندارد که از حقوق و استفاده مملکت محروم باشند. و همین قسمت تعلیمات ایلات هم خودش قدم خوبی است برای تحت قاپوشدن ایلات. چون ملاحظه بفرمائید در طهران و شهرهای فهم ایران برای شاگردا و اطفال و حتی اکابر ممکن است بک وسیله تعلیمات باشد و همه میتوانند استفاده کنند و تعلیم بگیرند ولی برای ایلات بهیچ وجه من الوجوه نیست. و اینکه عرض کردم سیار برای این است که بنده اطلاع دارم از ایل بختیاری تقریباً سه ماه یا چهار ماه نزدیک اصفهان اقامت دارند معلم میتواند در مدت این سه ماه یا چهار ماه برود آنها را تعلیم بدهد. با همینطور در قسمت شیراز یا خوزستان

باجای دیگر میتواند آنها را تعلیم بدهند. علتی برای اینکه ایلات محروم باشند بنده ندانم از این جهت این پیشنهاد را کردم.

وزیر معارف - بنده موافقت میکنم.

شیروانی - بنده مخالفم.

رئیس - عضو کمیسیون نیستند.

بیات - ماده الحاقیه است.

رئیس - رأی میگیریم باین ماده که ماده یازدهم

میشود. آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع بکلیات

قانون است. در کلیات مخالفی هست؟ آقای آقاسید یعقوب

بکنفر از نمایندگان - بماده دوازدهم رای گرفته نشد.

رئیس - رای گرفته میشود بماده اخیر که ماده

دوازدهم میشود. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد. آقای آقاسید یعقوب در کلیاتش

اظهاری دارید بفرمائید

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم در کلیات نه این است

که راجع به اصل موضوع باشد. گمان نمیکنم که راجع

به معارف مخالفتی داشته باشم. لکن چون يك ماده

در اینجا گذشت و همانطوریکه رفیق محترم من حاج شیخ

بیات اظهار فرمودند من آن ماده را برخلاف قوانین

میدانم و مخالفت میکنم. برای اینکه در تمام مملکت ما

اولاً يك صحبتی آقای وزیر معارف فرمودند که متولی

های موقوفات منحصر به عمامه ها نیستند و کلاهی هم

هستند. من خدا شاهد است نه اینکه چون عمامه

هستم بخوام صحبتی کرده باشم عقیده ام این است که

دیانت اسلامی نسبت به کلاهی و عمامه علی السویه است

همانطوریکه کلاهی مطابق قوانین مسؤل خدا است

همینطور هم عمامه مسؤل است. بنده نخواهم که از هم لباس خودم دفاع بکنم. با ارادی برکلاهی داشته باشم بنده عرض میکنم آن حرفی که آقای حاج شیخ بیات گفتند اگر در این مجلس اظهار نشده بود بنده هیچ اظهار نمیکردم ولی برای اینکه گفته شد عرض میکنم الوقف علی حسب ما اوقف اهلها ولا يجوز تبدلها. جواز تبدیل ندارند. وقف باید بترتیبی باشد که واقف معین کرده است ما باید اصول را محفوظ بداریم. و راجع بموقوفات هم البته وزارت معارف همانطوریکه مسؤل معارف است مسؤل اوقاف هم هست. اگر ببینند که يك متولی عمل بوقف نمیکند مطابق قوانینی که گذشته است او را تعقیب بکنند که عمل بوقف بشود نه اینکه باین عنوان تبدیل بکنند و چون این عنوان تبدیل مصرف وقف است که وزیر معارف مکلف است که آن متولی را در تحت نظر حاکم شرع مکلف بکنند. ناظر برایش معین کند و بر او بگردد که عمل بوقف بکنند و بمصرف خودش برساند نه اینکه مارأی بدهیم به تبدیل مصرف. بنده ابدأ معتقد نیستم که ما يك چنین حقی اصلاً داشته باشیم که بتوانیم يك اصل مسلمی را تبدیل بدهیم یعنی مجلس شورای ملی مصرف وقف را تغییر بدهد! این است که بنده بنام قوانین مملکتی استدعا میکنم و عرض میکنم از این نقطه نظر بود که بنده ناچار شدم که عرض بکنم که ما حق تبدیل مصرف وقف را نداریم و وزیر معارف و اوقاف مسؤل است که آن مسؤل و متولی را که تجاوز کند او را وادارد که بمصرف خودش برساند نه اینکه مارأی بدهیم که مسجد را بردارند و فلان کار را بکنند. بنده ابدأ این حق را برای مجلس قائل نیستم آقایان هم اگر بقانون اساسی نگاه بکنند گمان نمیکنم بتوانند این حق را قائل بشوند.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده از تصویب این لایحه آقای وزیر معارف را تبریک عرض میکنم و خیلی خوشوقتم که در ابتدای کار وزارتشان يك

چنین لایحه مهمی را آوردند و واقعاً يك قدم بسیار مهمی برای معارف برداشتند. البته همین امیدواری هم از ایشان میرفت عملاً هم ثابت کردند با کمال خونسردی و متانت و بدون هو و جنجال مشغول عملیات بسیار مؤثر و مفیدی برای معارف هستند ولی لازم میدانم بنده در این موقع يك مطلبی را که خود ایشان هم غالباً توجه دارند تذکر بدهم. در ضمن مذاکرات ماده هشت بعضی آقایان مذاکرانی راجع به معلم و دارالمعلمین و دار المعلمات فرمودند. همانطوریکه که مذاکره شد یکی از نواقص بزرگ معارف ما نداشتن معلم است. معلم نداریم. آقای کازرون فرمودند در هرده و قصبه يك کسی پیدا میشود که تعلیم بدهد. اینها معلم نیستند. متأسفانه در مملکت ما هنوز مفهوم حقیقی معلم وجود ندارد. معلمی این نیست که يك کسی يك درسی را خوانده باشد و از روی کتاب آن را درس بدهد. معلم باید در اخلاق شاگرد و در مغز شاگرد ایجاد فکر بکند که وقتی شاگرد شروع به تحصیل میکند خودش بتواند از روی فکر خودش در آن مطالب تصرف و تحقیقات بکند معلم کسی نیست که فقط بتواند از روی کتاب درس بدهد. در دوره دوم مجلس تصویب کرد وسی نفر شاگرد بفرستادند که پنج شش نفر آنها برای مسئله معلمی و دارالمعلمین بودند که وقتی مراجعت کردند. متأسفانه بواسطه عدم توجه اولیای امور دو سه نفر آنها رفتند جای دیگر مستخدم شدند چند نفرشان هم فعلاً در وزارت معارف هستند و یقین دارم آقای وزیر معارف هم تصدیق میفرمایند که بهترین اشخاصی که برای پیشرفت کار در وزارت معارف میتوانند کار بکنند اینها هستند و آقای وزیر معارف در تکمیل این قدم اولیه شان باید يك توجهی بفرمایند که امسال هم بلکه بتوانند يك عده شاگرد برای معلمی بفرستند بخارج و معلم تهیه کنند. همان معلمینی که میتوانند در افکار شاگرد تأثیری داشته باشند و ایجاد فکر بکنند و الا با

پول خرج کردن و مدرسه درست کردن ابتدائی، عالی متوسطه هرچه باشد بالاخره ما دارای معلم نخواهیم بود در سایر ممالک با داشتن مدارس عالی و اونیورسیتیه ها و با داشتن پروفیسور ها و دکتر ها معهداً چندین دارالمعلمین و دارالمعلمات دارند برای اینکه معلم تهیه کنند و حال آنکه اگر درس خواندن کافی باشد از برای درس دادن دیگر محتاج باین قسمتها نبودند این است که بنده با امید واری کاملی که به سعی و جدیت آقای وزیر معارف دارم استدعا میکنم در قدم دوم پس از تعلیمات ابتدائی سعی فرمایند يك عده را بخارج بفرستند برای درس معلمی تا در آئینه نواقص معارف از این حیث هم رفع شود و اسباب امیدواری باشد که از این مدارس نتیجه خواهیم برد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

عراقی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

رئیس - بفرمائید.

حاج آقا اسمعیل عراقی - تصور میکنم آقایان هم که میفرمایند مذاکرات کافی است بجهت این است که يك لایحه مهمی هم داریم که باید بعد از این لایحه مطرح شود باین جهت است که میفرمایند مذاکرات کافی است والا اگر بالطبع باین لایحه نگاه کنید هیچ مذاکرات نسبت باین لایحه کافی نیست برای اینکه يك ماده پیشنهاد شده است که هنوز مخالفین آن فرصت پیدا نکرده اند صحبت کنند و بنده هم با آن ماده پیشنهادی آقای شریعت زاده مخالفم و فرصت نشده است که حرف بزنم. مذاکرات کافی است یعنی رأی بدهید و تمام بشود و برود آنوقت مخالفت هائی که راجع بان ماده هست همینطور میباید این است که بنده مخالفت کردم با کفایت مذاکرات.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان

موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. عجاله چند دقیقه تنفس داده می شود
(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود بعد باید رأی بگیریم .

(بشرح ذیل خوانده شد)

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم فعلا و قبل از هر موضوعی لایحه عدلیه مطرح شود شریعت زاده و چند نفر دیگر

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - ناخبری که بواسطه پیش آمدها در جلسات قبل در تصویب این لایحه شده است مقتضی است که بوسیله سرعت عمل ان تاخیر جبران شود. زیرا قطع نظر از اینکه يك عده باید حقوقشان پرداخته شود و ما هم چون به تشکیلات قضائی علاقه مند هستیم و میخواهیم هر چه زودتر آقای وزیر عدلیه وظائف خودش را انجام دهد بهتر این است اقبان موافقت بفرمایند که این لایحه زودتر تصویب شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای اشتیانی

اشتیانی - عرض کم قبل از تعطیل مجلس اعتبارنامه آقای اقا سید علی اکبر مطرح شد بواسطه مخالفت بکنفر از اقبان نمایندگان موکول بجلسه امشب گردید و این مسئله هم بقدر چهار پنج دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد لهذا بنده تقاضا دارم از آقای شریعت زاده که موافقت بفرمایند ان اعتبار نامه مطرح شود بعد از ان لایحه اعتبار عدلیه مطرح شود.

شریعت زاده - البته این پیشنهاد بنده منافی نیست که تقاضای آقای اشتیانی هم پذیرفته شود و ممکن است بعد از طرح اعتبار نامه آقای ایه الله زاده بلافاصله لایحه

عدلیه مطرح شود.

رئیس - مخالفی ندارد ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای نجومی مخالف بودند

بعضی از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - رأی میگیریم بوکالت آقای اقا سید علی اکبر

از خسه اقبانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

[اغلب قیام نمودند]

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم به پیشنهاد آقای

شریعت زاده . .

زعیم - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

زعیم - این لایحه معارف را که الان در دست داریم تمام شده در کلیاتش هم مذاکره شده با اضافه بکماده در اینجا گنجانده شده که لازم است توضیحاتی در اطراف آن داده شود که این لایحه را کاملاً متقن و محکم کند و شاید بیش از ده دقیقه هم وقت لازم ندارد و لایحه عدلیه يك لایحه ایست که مفصل است و شاید در این جلسه هم تمام نشود و از این جلسه به جلسه بعد بیفتد و تکلیف این لایحه معوق بماند و این هیچ دلیلی ندارد که دولتی که رسیده دم چاه ول کنیم و برویم پی کار دیگر .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شریعت زاده و چند نفر دیگر آقبانیکه موافق هستند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع بکلیات

است

شریعت زاده - مذاکرات راجع بکلیات تمام شده

بود شور در مواد است

رئیس - آقای کازرون

کازرونی - در عین اینکه ما بایستی تمام قوه و قدرتی که داریم در مساعدت با وزیر محترم عدلیه مبذول بداریم که بحول و قوه الهی موفق شوند يك عدلیه که برخلاف سابق و مطابق امیدی که مردم دارند تشکیل بدهند که بر خلاف گذشته حقوق مردم با مال و ضایع نشود و در نتیجه دولت و مردم موهون نشوند ولی بنده ملاحظه میکنم با پیشنهادی که بعد داده اند با این لایحه نمیشود موافقت کرد و بنده بیشتر متعجبم که آقای وزیر محترم عدلیه که خودشان بیش از همه بایستی علاقه مند به مجلس و حقوق مجلسیان باشند - در این لایحه چیزهایی را تقاضا کرده اند که تا اندازه حق مسلم مجلس را سلب میکنند!! مجلس شورای ملی در تعیین حق اولین رتبه مستخدمین حق دارد نظر کند و تعیین کند که حق آن مستخدم رتبه اول که اشکش میگویند چند باید باشد اگر بنا باشد که ماسرسته اجازه بدهیم بوزیر عدلیه که خودش هر اندازه و هر قدر مطابق نظریات خود مصلحت و مقتضی بدانند حقوق باجزاء بدهند پس حق مجلس که نظر کردن در بودجه است کی و چطور محفوظ میشود؟! و چطور جمع بین این دو نظر را باید کرد؟! مثلاً ما این حق را دادیم به وزیر عدلیه و يك اختیاراتی باو داده شده که مشغول تشکیلات شوند ایشان همچو صلاح دانستند که مثلاً بيك نفر رئیس صلحیه ماهی دوست تومان یا سیصد تومان بدهند یا بيك عضویکه دارای رتبه پنج و شش است ماهی پانصد تومان یا ششصد تومان بدهند بعد این باید بیاید به مجلس - مجلس صلاح نمیداند چون مجلس نمیتواند تبعیض قائل شود. آنوقت این تعارض چطور رفع میشود؟! این اجازه که امروز بدهیم با آن حقی که باید رعایت شود چطور جمع بینش میشود؟ علاوه آنچسه شنیده میشود آقای وزیر عدلیه نظرشان این است که حقوق باجزاء عدلیه بایستی علاوه داده شود یعنی بقدری پول به آنها بدهند که بواسطه حقوق زیادی که میگیرند خیانت نکنند - این نظر

ایشان است و این نظر را هم بمانی گویند که تا چه اندازه است و حدش چیست؟ آیا دوماوی سا بر مستخدمین وزارتخانهها است؟ آیا مساوی است؟ آیا سه مساوی است؟ آیا چهار مقابل است؟ معلوم نیست این تبعیض را ما چطور قبول کنیم و این اختیار را ما چطور میتوانیم بدهیم؟! علاوه بر این بنده عقیده ام این است که حقوق مستخدمین تمام وزارتخانهها بایستی مساوی باشد و بنده عقیده ام این است که خیانت و خدمت بواسطه زیادی و کمی حقوق نیست. شخص خائن خائن است. اگر حقوق او زیادتر است خیانتش زیادتر است. وزیر خائن اگر هزار تومان حقوق دارد ده هزار تومان خیانت میکند. مستخدمی که ده تومان حقوق دارد ده تومان خیانت میکند. تجربه بما نشان داده است که خائن بالاخره خائن است. بنده تجربه دارم بکنفر آدم که معتاد بود رشوه گرفتن در موضوعی که قبلاً متعلق بخودش بوده است مقاطعه آن امر بخودش تسلیم شد اگر رشوه نمیگرفت صد هزار تومان صرفه اش بود لیکن ده هزار تومان رشوه را ترجیح داد بآن صد هزار تومان عایدی. چرا؟ برای اینکه با طبیعتش ملائمت داشت. طبیعتش مانوس بگرفتن رشوه بود. آدم خائن طبیعتش خیانت کار است ولو هر قدر می خواهید حقوق بهش بدهید. علاوه بر این بنده عرض میکنم فرض کنیم يك رئیس صلحیه را ماهی دوست تومان دادیم. بسیار خوب. این دارای چه رتبه است؟ دارای رتبه سه است. مثلاً در وزارت خارجه کسی داریم که دارای رتبه سه است چند میدهیم؟ شصت تومان میدهیم چرا باو دوست تومان میدهیم میگوئیم برای این است که تجاوز نکند بحقوق يك فرد. اما باید تصور بکنیم که این که در وزارت امور خارجه است و ماهی شصت تومان میگیرد بعد از اینکه دید آن کسی که در رتبه او است و هم قرن او است دوست تومان میگیرد چه میکند؟ خیانت در امور نوعی و در امور مملکتی میکند. يك

آن بیست تومان تهیه و تدارک میکرد بعد صد تومان شد از روی صد تومان کرد اگر صد تومان را ازش گرفتند دیگر نمیتواند زندگانش ادامه بدهد - بعلاوه فرض میکنیم آقای وزیر عدلیه حقوق بعضی از اعضاء وزارت عدلیه را زیاد کرد فردا مجلس شورای ملی که این حق ازش سلب نشده خواست تغییر بدهد و قتیکه خواست تغییر بدهد این يك مدت منادی زندگانش را روی آن حقوق جدید درست کرده حالا که میخواهد نزل بدهد يك اشکالات فوق العاده بزرگی پیدا میشود هم برای آن اشخاص و هم برای مملکت. در هر صورت بنده عقیده ام این است که تشکیلات با حقوقی که مستخدمین میدهیم باید متساوی و متناسب با هم باشد و این بنا را نباید بگذاریم و نبایستی يك تهیه و تدارکی به بینیم که فردا بودجه مملکت بقدری بارش سنگین بشود که نتوانیم از عهده برائیم و بعلاوه بنده میخواستم بدانم آقای وزیر که مثلاً از برای رؤسای صاحبیه يك حقوق زیادی قائل شده اند - آخر ایران که منحصر بطهران نیست. صاحبیه که تنها برای طهران نیست. حقوق تنها حقوق طهران نیست که باید محفوظ باشد. تمام نقاط مملکت با طهران متساوی است. بایستی در سایر نقاط هم محاکم ابتدائی یا صلحیه دایر شود. آیا کلان میکنند که بتوانند تمام رؤسای صلحه که بایستی در تمام نقاط مملکت دایر شود همین حقوق را بدهند؟ آیا ممکن است؟ این را در نظر دارند؟ بسیار خوب. بنده همین را میخواستم بدانم. آیا آن تناسبی که در بودجه جاری عدلیه هست نسبت بولایات هم در این اختیاراتی که خواسته اند منظور میدارند؟ یا این که این اختیاراتی که میخواهند منحصرأ خرج تشکیلات مرکز میشود و آنوقت برای ولایات يك تدارکات دیگری باید بینیم؟ یا از برای همه است. اگر برای همه است آیا این پول کفایت میکند که اضافه حقوق همان طوری که میشنوم (بنده که نمیدانم) به رؤسای صلحیه و قضات داده شود یا خیر...

باسائمی - خیر تفاوت میکنند در مرکز حقوق زیاد تر داده میشود.

کازرونی - بسیار خوب! به به!! در هر صورت بنده همچو مقتضی میدیدم که آقای وزیر اقلأ بفرمایند که آن اشل را چند میخواهند قرارداد؟ یعنی اولین حقوق و اولین درجه را چند میخواهیم معین کنیم؟ آخر چشم بسته و ندانسته و سر بسته باید رأی داد که آقای وزیر عدلیه هم هر طوریکه مقتضی دیدند بکنند؟! کلمات نمیکنم این صلاح مجلس و صلاح ایشان باشد. فردا خودشان پیش از همه دچار اشکال می شوند. ایشان انحلال عدلیه ها را مقتضی دیدند. بسیار خوب. حالا قبل از اجازه یا پیش از اجازه یا بعد از اجازه هر چه بود تمام شد. بعد اجازه خواستند که این قانون هم در حکم الغاء باشد. یعنی نحت نظر ایشان باشد تا مدت معینی. بسیار خوب. تشکیلات را هم از روی نظر خودشان بدهند. تمام این اختیارات را دادیم ولی بودجه اش را هم چشم بسته. سر بسته. در بسته. ندانسته باید رأی داد؟! وزیر عدلیه - بنده از حسن اتفاق با نماینده محترم يك سوابق طولانی در مجلس پشت همین تریبون پیدا کرده ام و اغلب اتفاق افتاده که ایشان آمده اند نقطه مقابلش را گرفته اند و فرمایشانی کرده اند و بنده هم آن طرفش را گرفته ام ولی نه لطف ایشان کم شده و نه ارادت بنده و حالا داخل اصل موضوع میشوم. يك قسمت فرمایشاتشان اول راجع باین بود که این لایحه يك موادی دارد و يك اختیاراتی را می خواهد که سلب حقوق از مجلس میکند. کویا فراموش فرمودند (يك اختیاراتی را میخواهد) خودش جواب ایشان است. بنده که يك اختیاراتی می خواهم پس معتقد بحق مجلس شورای ملی هستم که اختیار میخواهم بنده بشما میگویم مجلس شورای ملی اگر میخواهد امروز يك عدلیه ساخته بشود این جور خوبست

اختیار بدهد. این جور خوبست موافقت بکنید. ابدأ نه همچو فکری در بنده ممکن بوده است تولید بشود و نه اینکه اگر بنده میگفتم کسی با بنده موافقت میکرد که سلب حق از مجلس بشود. خیر بنده این حق را از برای مجلس تصدیق میکنم و میگویم بموجب آن حقی که دارد بمن اختیار بدهید همانطور که مجلس در قسمت قوانینش هم يك اختیاراتی داده است. حالا می رسم باین که میفرمایند ممکن است پول زیاد تر بدهند. ممکن است؟ خیر. خیر. قطعی است بنده این جا با آقایان عرض میکنم بایستی زیاد تر داد. بنده معتقد باین هستم که اگر آقایان می خواهند این مملکت دارای يك قوه قضائیه باشد که در پیش دوست و دشمن بشود در آورد باید قضات او دارای حقوق کاملی باشند. با شصت تومان بگویند تو قاضی باش. با هشتاد و نه تومان بگویند قاضی باش. با صد و ده تومان برای يك مقام های عالی بگویند ما مستخدم میخراییم نمیشود... برای چه؟ از دو نقطه نظر یکی اینکه اشخاص با اطلاع و اشخاص کافی و اشخاصی که بدرد کار بخورند اغلب حاضر نمی شوند با حقوق کم با هشتاد و نه تومان یا با صد و ده تومان بروند در نقاط دور دست ولایات یا در خود مرکز وارد کار شوند میروند سایر جاها و آنوقت ما مجبور هستیم رجوع کنیم بيك اشخاصی که چون بیچاره و بیکاره هستند باها بگوئیم شما تشریف بیاورید بجهت اینده ارزان تمام بشود. بنده که تعهد نکرده بودم عدلیه ارزان برای آقایان درست بکنم. پس برای اینکه اشخاص کافی بیاوریم باین دلیل باید پول زیاد بدهیم یکی دیگر اینکه مستخدمی که مخصوصاً حق قضاوت باو داده میشود و درجات و مال و حیثیات مردم رأیش مؤثر است باید از برای او يك زندگانی آبرومندی تهیه کرد و بعد ازش متوقع کار صحیح بود - این اصل را دنیا تجربه کرده. حالا آقای کازرونی هم تجربه خودشان را میآورند بنده منکر تجربه ایشان نیستم اما تجربه

ایشان برای خودشان سند است برای بنده سند نیست. برای اینکه بنده تجربه دنیا را دیده ام. بنده معتقدم که باید بقاضی حقوق کافی داد ولی ایشای میگویند ما تجربه کرده ایم که بقاضی حقوق کافی هم بدهند تفاوت نمیکند پول زیاد هم که بدهند تغییری نمی کند. ممکن است. البته آن را هم بنده مخالف نیستم اما نباید قاضی را در يك وضعیت بدی گذاشت و محتاجش نگه داشت. کسی که در هر کاری مورد بعضی صحبت ها میشود. کسی که هر قضیه که پیش میاید بالطبیعه وسوسه میشود. این شخص را باید از یکطرف حقوق زیاد داد و از يك طرف هم مجازات سخت کرد. تعقیبش هم سخت و شدید باشد. بجهت اینکه خطای او در زندگانی مردم مؤثر است. حالا يك مسئله دیگر هم بنده میخواهم اینجا از آقای نماینده محترم (که یقین دارم با وجود این اختلاف نظر و عرایضی هم که کردم نسبت به بنده بی لطف نخواهند شد) بپرسم خوب آقا تجربه بیست ساله ما این بود که با این حقوق و این تشکیلات این درآمد که بود. خوب تجربه بود. منکر این هستید؟! من که نمیتوانم این را انکار کنم. حالا اگر شما بیائید یکی یکی همان اشخاص و همان حقوق را مجدداً بردارید بیارید همین خواهد شد که بود و همین نتیجه ایست که دیدید. يك نکته را هم فرمودند که بنده تصور می کنم شاید قدری غفلت از بعضی مسائل در ضمن بیاناتشان شد و آن این بود که فرمودند نباید تبعیض بشود. من نفهمیدم مقصودشان از این صحبت چه بود؟ تبعیض بچه معنی؟ یعنی که تمام مستخدمین دولت باید يك حقوق بگیرند؟ بله؟ یعنی قرار بگذاریم مثلاً بکمترتبه همه مستخدمین پنجاه تومان یا سیصد تومان حقوق بگیرند؟ اینطور نه. اینکه البته معنی تبعیض نمیدهد. میخواهند بگویند اشخاصی که در رتبه های مختلف هستند اینها نباید يك حقوق بگیرند؟ یا اشخاصی که دارای يك رتبه هستند نباید حقوق مختلف بگیرند؟ آن بسته است.

کاملاً راحت باشد. و اما راجع بقسمت آخر که بنده جوابش را یادداشت کرده ام.

میفرمایند: در قانون که اختیار - در تشکیلات که اختیار - در بودجه هم اختیار! بنده يك جواب دارم که بدهم و میگویم. البته. البته. بجهت اینکه اگر این اختیار نباشد تمام آن اختیارات دیگری که آقایان دادند مثل يك تعارف البته بمرحقی بود ولی مقصود این بوده است که هیچ عملی نرسد. مقصود این بوده است که تعارف بشود و همان چیزی که از این دست داده ایم از دست دیگر بگیریم ولی بنده امید وار هستم که اکثریت مجلس همانطوریکه در آن روز اول مساعدت کرده همانطوریکه در آنوقت اظهار موافقت کرده. همانطوریکه آن روز اجازه دادند که بنده امید وار بشوم (حالا چون يك مدتی یاد خورده است بین قضیه يك عقیده دیگری پیدا نکرده باشند) امروز هم با همان عقیده و رویه تکم کنند و بگذارند يك کاری بشود و باز عرض میکنم این کار شخصی بنده نیست حتی این کار از حدود يك وزیر تجاوز کرده این کار کار مملکت است و بنده از آقایان خواهش میکنم که در اینجا بانظر مساعدت نگاه نکنند و اگر بخواهند از روی آن اختیار برگردند آن يك امری است علیحده ولی اگر میخواهند روی همان اختیارات اخیر - چطور شد شما در تشکیلات و در ترتیبات قوانین محاکماتی در همه اینها اظهار مساعدت کردید ولی حالا که پای پول است اینجا میخواهید مساعدت نکنید؟ وارونه این این است که بقیتمی میگویم که کسی نخورد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده بعضی عرایض داشتم که غالب آنها را آقای کازرونی فرمودند و آقای وزیر عدلیه هم جواب های آن را فرمودند ولی چیزی که هست بواسطه کج سلیقه کی که در خود بنده هست با ترتیبانی که هست قانع نشدم. میفرمایند که باید حقوق را زیاد

کرد تا اینکه خیانت نکنند همانطور که آقای کازرونی فرمودند وقتیکه بنا شد مجازات در کار نباشد اگر بهر نفری صد هزار تومان هم بدهید خیانت خیانت کار زیادتر میشود. باید در مملکت مجازات باشد. مخصوصاً در ادارات اگر مجازات شد کار درست میشود ولی اگر مجازات نشد با اضافه کردن و کسر کردن حقوق کار درست نمیشود باید مجازات باشد تا کار درست شود. با وجود اینکه خدا شاهد است بنده خیالم نیست که با آقای وزیر عدلیه که شخصی است کافی و کاردان و جدی و لایق مخالفت کنم اما از آن جهت که خودم عقیده به اصلاحات دارم با بعضی از قسمت هایش مخالفم. مثلاً ایشان يك اعتباری خواستند بجهت ساختن عدلیه در صورتیکه همه کس میداند احتیاجات این مردم چیست و فقر و فلاکت این مردم را همه میدانند و ما يك کار خانه نداریم. این صد هزار تومان را ممکن است صد هزار تومان دیگر هم بپوش اضافه کنند و يك کارخانه کاغذسازی وارد کنیم که این احتیاجات مردم رفع بشود و این قدر پول کاغذ بخارج ندهیم و يك عده هم مشغول کار شوند و انشاء الله این عدلیه هم در تحت نظر و جدیت خودشان باشد و اگر مجازات هم در کار باشد خیلی خوب میشود کار را با اصلاح درآورد و هیچ ما محتاج بيك عدلیه جدید که نیم فرسخ دورتر از این جا باشد که هر بدبختی بخواهد برود آنجا باید درشکه سوار بشود نیستیم. یکی دیگر اینکه بنده در این اختیاراتی که خواسته اند نظر سوئی بخود ایشان ندارم اما این سابقه خواهد شد بجهت اینکه تمام وزارتخانهها عنقریب هر وزیری که داخل کار بشود و مشغول کار بشود می آید و يك اختیاراتی برای خودش میخواهد آنوقت به بینید کار بکجا خواهد رسید و آیا اصلاح مملکت هست یا نیست؟ در صورتیکه همه میدانیم این کار ها صلاح نیست. چطور میشود این اختیارات را داد. شخص ایشان طرف اطمینان هستند دیگران شاید بیایند

و طرف اطمینان نباشند و جدیت ایشان را هم نداشته باشند و همین اختیارات را خواهند گرفت و اسباب زحمت میشوند بنابر این باین نقاط نظری که عرض کردم بنده مخالفم.

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- آقای فیروز آبادی فرمودند همانطور که آقای کازرونی اظهار فرمودند خائن خائن است و لوائیکه حقوق گزاف هم باو داده شود ولی باید تصدیق بفرمایند که بسیاری از اصول را در این فرمایشاتشان فراموش کردند اگر اینطور باشد تربیت اخلاقی نیست. بالاخره بشر در جور خلفند يك دسته اشرار و يك دسته ابرار. تمام این قوانین و نظامات و حکومت و دولت و مجلس و اینها برای رفع نعدی اشرار است نسبت بابرار. اشرار آنهاهی هستند که نمیخواهند امتثال کنند و مالیات بدهند و دولت تشکیل بدهند ولی ابرار آنهاهی هستند که مالیات میدهند سر باز میدهند و دولت تشکیل میدهند و برای رفع شر اشرار از ابرار این گونه تکالیف و دستورات و نظامات برای جامعه يك ملت یا يك قومی پیدا میشود و اگر شما ملاحظه بکنید غالب قسمت‌هایش راجع به تربیت اخلاقی آنها است پس اگر بنا بشود که خائن خائن باشد و نشود جلوگیری از خیانتش کرد که نمیشود و يك شق جلوگیری همان مجازات است که فرمودند و الا تربیت در درجه اول مقدم است. و بنده بطور تفصیل نمیخواهم وارد بشوم در این قسمت و می گذارم برای بعد. اما اینکه فرمودند این صد هزار تومان اعتبار را صرف يك کارخانه بکنیم و غالباً این فرمایش را میفرمایند. بالاخره همه موافقند که کارخانه‌جانی در این مملکت تأسیس شود و هیچکس منکر نیست که مؤسسات صنعتی باید در این مملکت زیاد شود و توسعه پیدا کند ولی نباید منکر اصلاحات عدلیه هم شد. اگر محالاً ما يك پولهای زیادی نداریم که مؤسسات صنعتی ایجاد کنیم این دلیل نمی شود که آن حد اقلی که

ما از ملت می گیریم و باید قوه قضائیه داشته باشیم از آن هم صرف نظر کنیم. این اعتبارانی که برای وزارت عدلیه قائل شده‌ایم این حد اقلی است که برای تشکیلات قضائی يك مملکتی است و بنده در موقعش عریضی خواهم کرد که ما لااقل باید سه چهارم کرور تخصیص بدهیم بقوه قضائیه این مملکت عریض و طویل این مملکتی که شهرهایش از هم دور است ولایات و مراکز استینافیش از هم دور است و ناگزیرند که محاکم سیاره قائل شوند اعتبارات بیشتری میخواهد. مملکتی که هنوز راه‌هایش شوسه نشده است و راه آهن ندارد باید قوه قضائیش را طوری قرارداد که در دست رس تمام افراد مملکت باشد از مرکز تا ماکو و از آنجا گرفته تا گواتر. فرمودند که ما این اختیارات را با آقای داور داده‌ایم و از کجا که در آئیه يك وزیر پیدا بشود که مثل ایشان مورد اعتماد و اطمینان مجلس باشد. اولاً فراموش فرمودند که ما گفتیم این اختیارات مال وزیر عدلیه فعلی است (یعنی آقای داور) و مدت آن چهارماه بود بعد بنا به پیشنهاد آقای مدرس شش ماه علاوه شد برای آزمایش که ده ماه باشد و در این ده ماه ما اصلاحات عدلیه را اینطور دادیم حالا با خود ایشان خواهند بود باشخص دیگر. اگر بآن شخص هم اعتماد داشتیم اختیاراتی میدهم و اگر اعتماد نداشتیم اختیار نمیدهم بالاخره مجلس در هر حال مختار است که نسبت باشخاص دیگری اظهار اطمینان بکنند یا نکنند و این مذاکراتی که شما فرمودید در این موقع هیچ مورد نداشت.

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس -- رأی گرفته میشود برای شور در مواد آقایانی که شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول قرائت می‌شود. (بشرح ذیل خوانده شد)

مشغول کار بوده اند اعم از مرکز و ولایات تا آخر اسفند ۱۳۰۵ بپردازند.

انحلال کاری بما ندارد این يك فعلی بود که از طرف دولت به مقتضیات مسؤلیتی که داشت اقدام شد و اکثریت مجلس هم رأی اعتماد به وزیر عدلیه داد و اقدام کرد. این دیگر ربطی بما ندارد که مجلس رأی بانحلال بدهد آقایان میدانند که بنده يك اقلیت مفرضی نیستم و چنانچه بر خود وزراء محترم معلوم بوده است و بر همه آقایان نمایندگان محترم هم مبرهن است بنده اقلیت مفرضی نبودم که بخوام خدای نا کرده اعمال غرض و نظر شخصی در امورات بکنم تمام نظر این است بقدری که قوه در آن که ام نسبت بقوانین می‌فهمد قوانین را از مجرای خودش بفهمم نه اینکه آقایان وزراء يك کاری بکنند و کردن مجلس بگذارند و با مجلس يك حقی را از آقایان وزراء بگیرد. بنده بقدری که مسائل را میدانم عرض میکنم مجلس که رأی بانحلال عدلیه نداد بلکه راجع بوزارت عدلیه نظرش اصلاحات بود و مقصود مجلس این بود که خود آقای وزیر عدلیه نظر باینکه مسؤل هستند اصلاحات بکنند حالا ایشان مسؤل هستند. یعنی چه من که مسؤل عدلیه نیستم. بنده نمیتوانم رأی بانحلال عدلیه بدهم بنده نمی خواهم در کار قوه مجریه دخالت کنم. از این جهت بنده پیشنهادی بمقام ریاست کردم و تقاضا دارم قرائت شود بنده گمان میکنم خود آقایان وزراء هم تصدیق میکنند که این عرض بنده مورد است.

مسئله دیگر که خود آقایان هم مستحضرنند و خیلی بطور سهل و ساده عرض میکنم این است که تعیین يك موضوع خارجی حق مقننه نیست یعنی مجلس شورای ملی که قوه مقننه است نمیتواند در وزارتخانهها بگوید فلان کس منتظر خدمت است یا نیست. قانونی از مجلس میگنزد و بدست آقایان وزراء میرسد تطبیق مواد قانون را بر مصداق خارجی وزراء باید بکنند و حق قوه مجریه است نه حق بنده. تشخیص منتظر

ماده اول - بوزارت مالیه اجازه داده میشود حقوق اشخاصی را که در تاریخ انحلال تشکیلات وزارت عدلیه مشغول کار بوده اند اعم از مرکز و ولایات تا آخر اسفند ۱۳۰۵ بپردازد. مستخدمین مزبور از ابتدای ۱۳۰۶ تا موقعی که مجدداً بخدمت منصوب نشده اند منتظر خدمت وزارت عدلیه محسوب خواهند بود.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده در این ماده اول يك پیشنهادی کرده‌ام و خدمت آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر مالیه دادم و در يك قسمت‌هایش هم آقای وزیر عدلیه موافقت کردند و حالا میخواهم عریضی عرض کنم و توجه مجلس را بعریض جلب کنم این کابینه که تشکیل شد با آن پروگرامی که در مجلس آوردند نظر تمام آقایان هست که در آن ماده که راجع بقوه قضائیه بود تکمیل قوه قضائیه بود. عنوان انحلال قوه قضائیه در پرگرام نبود و مجلس هم به تکمیل قوه قضائیه رأی داد به انحلال قوه قضائیه رأی نداد بعد وزیر عدلیه برای اصلاح عدلیه يك عملی را در نظر گرفتند و آن عمل را کردند و آمدند در مجلس و يك اختیاری برای آزمایش و تشکیل کمیسیونها و آن تشکیلاتی که در نظر داشتند گرفتند مجلس رأی داد بنده که مخالفت کردم و رأی ندادم ولی در این جا چون این ماده راجع بحقوق مستخدمین است بنده هیچ نمیتوانم در این جا انصاف کسی کنم که بگویم مستخدمین حقوق داده نشود. باید حقوق داده شود ولی دو عبارت در این جا گنجانده شده است که هیچ ربطی به مجلس شورای ملی ندارد و نمیدانم حالا آقای وزیر مالیه که فرمودند ما این مواد را خیلی بدقت نوشته‌ایم چه جواب خواهند فرمود گرچه معلوم است آقایان وزراء خیلی قابل هستند و با يك زرگراری موادشان را از مجلس میگنزانند و بعد ما می فهمیم که چه خبر است. یکی این است که نوشته است (به وزارت مالیه اجازه داده میشود حقوق اشخاصی را که در تاریخ انحلال تشکیلات وزارت عدلیه

و طرف اطمینان نباشند و جدیت ایشان را هم نداشته باشند و همین اختیارات را خواهند گرفت و اسباب زحمت میشوند بنابر این باین نقاط نظری که عرض کردم بنده مخالفم .

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- آقای فیروز آبادی فرمودند همانطور که آقای کازرونی اظهار فرمودند خائن است ولو اینکه حقوق گزاف هم باو داده شود ولی باید تصدیق بفرمایند که بسیاری از اصول را در این فرمایشاتشان فراموش کردند که اگر اینطور باشد تربیت اخلاقی نیست . بالاخره بشر دو جور خلقند يك دسته اشرار و يك دسته ابرار . تمام این قوانین و نظامات و حکومت و دولت و مجلس و اینها برای رفع تعدی اشرار است نسبت بابرار . اشرار آنهايي هستند که نمیخواهند امتثال کنند و مالیات بدهند و دولت تشکیل بدهند ولی ابرار آنهايي هستند که مالیات میدهند سرباز میدهند و دولت تشکیل میدهند و برای رفع شر اشرار از ابرار این گونه تکالیف و دستورات و نظامات برای جامعه يك ملت یا يك قومی پیدا میشود و اگر شما ملاحظه بکنید غالب قسمتهای راجع به تربیت اخلاقی آنها است پس اگر بنا بشود که خائن خائن باشد و نشود جلوگیری از خیانتش کرد که نمیشود و يك شق جلوگیری همان مجازات است که فرمودند و الا تربیت در درجه اول مقدم است . و بنده بطور تفصیل نمیخواهم وارد بشوم در این قسمت و می گذارم برای بعد . اما اینکه فرمودند این صد هزار تومان اعتبار را صرف يك کارخانه بکنیم و غالباً این فرمایش را میفرمایند . بالاخره همه موافقت که کارخانهائی در این مملکت تأسیس شود و هیچکس منکر نیست که مؤسسات صنعتی باید در این مملکت زیاد شود و توسعه پیدا کند ولی نباید منکر اصلاحات عدلیه هم شد . اگر محالاً ما يك پولهای زیادی نداریم که مؤسسات صنعتی ایجاد کنیم این دلیل نمی شود که آن حد اقلی که

ما از ملت می گیریم و باید قوه قضائیه داشته باشیم از آن هم صرف نظر کنیم . این اعتبارانی که برای وزارت عدلیه قائل شده ایم این حد اقلی است که برای تشکیلات قضائی يك مملکتی است و بنده در موقعش عریضی خواهم کرد که ما لااقل باید سه چهارم کرور تخصیص بدهیم بقوه قضائیه این مملکت عریض و طویل این مملکتی که شهراهایش از هم دور است و ولایات و مراکز استینافیش از هم دور است و ناگزیرند که محاکم سیاره قائل شوند اعتبارات بیشتری میخواهد . مملکتی که هنوز راههایش شوسه نشده است و راه آهن ندارد باید قوه قضائیش را طوری قرارداد که در دست رس تمام افراد مملکت باشد از مرکز تا ماکو و از آنجا گرفته تا گوانز . فرمودند که ما این اختیارات را با آقای داور داده ایم و از کجا که در آتیه يك وزیری پیدا بشود که مثل ایشان مورد اعتماد و اطمینان مجلس باشد . اولاً فراموش فرمودند که ما گفتیم این اختیارات مال وزیر عدلیه فعلی است (یعنی آقای داور) و مدت آن چهار ماه بود بعد بنا به پیشنهاد آقای مدرس شش ماه علاوه شد برای آزمایش که ده ماه باشد و در این ده ماه ما اصلاحات عدلیه را اینطور دادیم حالا با خود ایشان خواهند بود یا شخص دیگر . اگر بآن شخص هم اعتماد داشتیم اختیاراتی میدهم و اگر اعتماد نداشتیم اختیار نمیدهیم بالاخره مجلس در هر حال مختار است که نسبت باشخاص دیگری اظهار اطمینان بکنند یا نکنند و این مذاکرات که شما فرمودید در این موقع هیچ مورد نداشت .

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس -- رأی گرفته میشود برای شور در مواد آقایانی که شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . ماده اول قرائت می شود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - بوزارت مالیه اجازه داده میشود حقوق اشخاصی را که در تاریخ انحلال تشکیلات وزارت عدلیه مشغول کار بوده اند اعم از مراکز و ولایات تا آخر اسفند ۱۳۰۵ بپردازند .

انحلال کاری بما ندارد این يك فعلی بود که از طرف دولت به مقتضیات مسؤلیتی که داشت اقدام شد و اکثریت مجلس هم رأی اعتماد به وزیر عدلیه داد و اقدام کرد .

این دیگر ربطی بما ندارد که مجلس رأی بانحلال بدهد آقایان میدانند که بنده يك اقلیت مغرضی نیستم و چنانچه بر خود وزراء محترم معلوم بوده است و بر همه آقایان نمایندگان محترم هم مبرهن است بنده اقلیت مغرضی نبودم که بخواهم خدای نا کرده اعمال غرض و نظر شخصی در امورات بکنم تمام نظرم این است بقدری که قوه در آن نسبت بقوانین می فهمد قوانین را از مجرای خودش بفهمم نه اینکه آقایان وزراء يك کاری بکنند و کردن مجلس بگذارند و با مجلس يك حقسی را از آقایان وزراء بگیرد . بنده بقدری که مسائل را میدانم عرض میکنم مجلس که رأی بانحلال عدلیه نداد بلکه راجع بوزارت عدلیه نظرش اصلاحات بود و مقصود مجلس این بود که خود آقای وزیر عدلیه نظر باینکه مسؤل هستند اصلاحات بکنند حالا ایشان مسؤل هستند . بمن چه من که مسؤل عدلیه نیستم . بنده نمیتوانم رأی بانحلال عدلیه بدهم بنده نمی خواهم در کار قوه مجریه دخالت کنم . از این جهت بنده پیشنهادی بمقام ریاست کردم و تقاضا دارم قرائت شود بنده گمان میکنم خود آقایان وزراء هم تصدیق میکنند که این عرض بنده بمورد است .

مسئله دیگر که خود آقایان هم مستحضرنند و خیلی بطور سهل و ساده عرض میکنم این است که تعیین يك موضوع خارجی حق مقننه نیست یعنی مجلس شورای ملی که قوه مقننه است نمیتواند در وزارتخانهها بگوید فلان کس منتظر خدمت است یا نیست . قانونی از مجلس میگردد و بدست آقایان وزراء میرسد تطبیق مواد قانون را بر مصداق خارجی وزراء باید بکنند و حق قوه مجریه است نه حق بنده . تشخیص منتظر

۱۳۰۵ بپردازد - مستخدمین مزبور از ابتدای ۱۳۰۶ تا موقعی که مجدداً بخدمت منصوب نشده اند منتظر خدمت وزارت عدلیه محسوب خواهند بود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در این ماده اول يك پیشنهادی کرده ام و خدمت آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر مالیه دادم و در يك قسمتهایش هم آقای وزیر عدلیه موافقت کردند و حالا میخواهم عریضی عرض کنم و توجه مجلس را بعریض جلب کنم این کابینه که تشکیل شد با آن پروگرامی که در مجلس آوردند نظر تمام آقایان هست که در آن ماده که راجع بقوه قضائیه بود تکمیل قوه قضائیه بود . عنوان انحلال قوه قضائیه در پرگرام نبود و مجلس هم به تکمیل قوه قضائیه رأی داد به انحلال قوه قضائیه رأی نداد بعد وزیر عدلیه برای اصلاح عدلیه يك عملی را در نظر گرفتند و آن عمل را کردند و آمدند در مجلس و يك اختیاری برای آزمایش و تشکیل کمیسیونها و آن تشکیلاتی که در نظر داشتند گرفتند مجلس رأی داد بنده که مخالفت کردم و رأی ندادم ولی در این جا چون این ماده راجع بمشخدمین است بنده هیچ نمیتوانم در این جا انصاف کسی کنم که بگویم مستخدمین حقوق داده نشود . باید حقوق داده شود ولی دو عبارت در این جا گمشانده شده است که هیچ ربطی به مجلس شورای ملی ندارد و نمیدانم حالا آقای وزیر مالیه که فرمودند ما این مواد را خیلی بدقت نوشته ایم چه جواب خواهند فرمود گرچه معلوم است آقایان وزراء خیلی قابل هستند و با يك بزرگواری موادشان را از مجلس میگذرانند و بعد ما می فهمیم که چه خبر است . یکی این است که نوشته است (به وزارت مالیه اجازه داده میشود حقوق اشخاصی را که در تاریخ انحلال تشکیلات وزارت عدلیه

خدمت شدن با خود وزیر است و او باید معین کند و ربطی با ندارد. این را لازم است بنده عرض کنم که نظر مجلس اصلاح قانون است همانطور که میگویند تعیین موضوع شأن فقیه نیست بلکه فقیه باید حکم مسئله را معین کند در اینجا هم همینطور است یعنی قوه مقننه باید قانون وضع کند. تطبیق مصداق خارجی با قانون دیگر ربطی با ندارد و از وظائف قوه مجریه است و ما نباید در کار قوه مجریه دخالت کنیم. قوه مجریه که مأمور اجرای قوانین است او باید بگوید و تشخیص بدهد که بموجب فلان ماده قانون فلان کس منتظر خدمت است این است که بنده پیشنهاد کردم برای حفظ حقوق این اشخاصی که مستخدم بوده اند و در مرکز و ولایات مشغول خدمت بوده اند تا آخر اسفند وزارتنامه مأمور است حقوق این ها را بپردازد دیگر منتظر خدمت بودن ربطی با ندارد. این مسائل مربوط به تشخیص خود وزیر است زیرا او مسؤول است از اینجهت بنده این پیشنهاد را عرض کردم و بنحود آقای وزیر عدلیه هم عرض کرده ام.

وزیر عدلیه - بیانی را که آقا فرمودند قبلاً هم با خود بنده مذاکره کردند و فرمایشاتشان دو قسمت داشت یکی مسئله انحلال که فرمودند ربطی بمجلس ندارد و یکی هم مسئله منتظر خدمت بودن اشخاصی که بعد سر کار میآیند.

اما قسمت دوم که میفرمایند اشخاصیکه بعد شغلی بانها رجوع نشود منتظر خدمتند این مسئله ایست که بودن و نبودنش در اینجا از نقطه نظر قانون بکسان است. چرا؟ بعلم اینکه يك کسی که مستخدم بوده بعد اگر سر کار نیامد و محکوم بانفصال هم نشده باشد قهراً بطوریکه قانون پیش بینی کرده منتظر خدمت محسوب میشود يك چنین کسی در عرف قانون استخدام منتظر خدمت محسوب است و چیز دیگری نیست. پس اینکه اینجا نوشته شده چیز نازه نیست و اگر هم نباشد قهراً

همینطور است و اگر در اینجا هم نوشته شود گرچه توضیح واضح است و هیچ محل تردید نمی تواند باشد ولی در هر حال ضرری ندارد. راجع بقسمت انحلال هم که فرمودند بنده نمی خواهم زیاد صحبت کنم اولاً اینجا نوشته شده از تاریخ انحلال مقصود این بوده است که يك تاریخ روشن و معلوم باشد که در چه تاریخ اشخاصی مستخدم عدلیه بوده اند چون يك اشخاصی قبل از این تاریخ یعنی تاریخ انحلال بوده اند که بانها نباید حقوق داده شود مگر حقوق انتظار خدمتی که سابقاً می گرفتند. مقصود این است که معین باشد اشخاصی که تا فلان تاریخ معین سر کار بوده اند و اینکه لفظ انحلال نوشته شده برای این بوده که اگر تاریخ روز را می نوشتیم آنوقت برای ولایات باید تفاوت گذاشت. و باید برای منتظرین خدمت ولایات هم يك تاریخ علیحده گذاشت. از این جهت انحلال را ما نوشتیم که مطلب روشن باشد اما اینکه آقای آقا سید یعقوب بقدری از این کله انحلال احتراز دارند که میخواهند یواشکی از آن کوشه دربروند لازم نیست. نه آقا. بنده مخصوصاً خواستم که مجلس هم در این امر خبر شرکت کرده باشد. در هر حال انحلال واقع شده است و بعد از آن هم يك مذاکره در این جا شده است و اکثریت مجلس هم گفتند که این انحلال کار خوبی بوده است بعد هم يك اختیاراتی داده شده که روی این اساسی که خراب شده يك زمینه وشالوده بهتری طرح شود. آقایان هم این مسئله را تصدیق کرده اند حالا میفرمایید اسمش را نبرید. یعنی بابسم الله اسم او را ببریم. چرا آقا؟ بنده هیچ مانعی نمی بینم و مخصوصاً خواهش میکنم که شما هم تصدیق کنید.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - گرچه در مقابل منطق قوی آقای وزیر عدلیه همکار در روز ما و وزیر امروز ما که بنده کمال ارادت را خدمتشان دارم و در يك قسمت هائی حقیقتاً مرهون ومدیون ایشان هستم حرف زدن کار آسانی نیست.

ولی يك نکته را عرض میکنم. و آن این است که مسئله نطق و حرف مخصوصاً در مجلس خودش يك صنعتی است و خودش يك ورزیده کسی است و هیچ مربوط باصل واقع نیست. این مسئله حکم آهنرا دارد که اگر يك تکه آهن را بدهند بدست يك صنعت کار يك قلم تراش خیلی پا کیزه درست میکند و بشما تحویل میدهد که پنجاه تومان قیمت دارد ولی اگر بدیگری که سر رشته نداشته باشد بدهید با این آهن يك بیل درست میکند که يك قران قیمتش است ولی باید دانست که جنس همان جنس است و یکی است و همان آهن است. و در جنس آهن اقتدرها تغییری داده نشده. غرضم این است که حقایق بجای خودش محفوظ است. ولو اینکه منطقی من رسا نباشد و نتوانم از عهده تقرر بر آیم. این مسائل بجای خودش مسلم است فرمودند من تجربه دنیا را کرده ام فلانکس تجربیاتش محدود است بنده منکر این نیستم که تجربیات ایشان بیش از بنده است ولی خوب بود میفرمودند معلوماً نشان زیرا تجربه مرور زمان برای انسان حاصل میشود...

وزیر مالیه - گفتند دنیا اینطور تجربه کرده خودشان را نگفتند.

کازرونی - بسیار خوب. غرضم این است که ما بحسب تجربه که داریم و گمان میکنم فرد فرد آقایان هم این مسئله را تصدیق بفرمایند که خوبی و بدی اشخاص يك چیزی است که بدادن یا ندادن باز یاد و کم دادن پول از آن جلوگیری نمیشود یعنی نمیشود که من پول زیادی بفلان زید بدهم و باو بگویم حالا دیگر اخلاقاً درست کار باش. اخلاق را نباید در کار های اجتماعی و سیاسی دخالت داد بلکه باید قانون گذار همیشه جنبه بد بینی را در نظر بگیرد. بنده تجربه دارم در موضوع كمرک. همان مستخدم كمرک که قبل از اداره شدن كمرک رشوه میگرفت و دزدی میکرد همینکه كمرک اداره شد و حقوقش هم از صد تومان

به ده تومان رسید قانون طوری جلو او را گرفت که با اینکه حقوقش کم شده بود معذک نتوانست يك قران خیانت کند و بقدری قانون آنها را مؤدب کرد که انسان خیال میکنند سالهای منمادی است که این اشخاص زبیت شده اند. پس قانون باید جلو گیری کند. بنده از آقایان سؤال میکنم هیچوقت یکی از وزارتخانهها يك مستخدمی را استخدام کرده که بداند این مستخدم خائن است؟ خیر. همیشه اوقات مستخدمی را که استخدام میکنند میگویند این آدم صحیح العمل درست کاری است. رئیس - آقای کازرونی در کلیات صحبت میفرمائید کازرونی - در ماده اول نمی توانم در کلیات صحبت کنم؟

رئیس - خیر

کازرونی - مقصود این است این عرایض من يك عرایضی نبود که چندان پیچ و تانی داشته باشد بنده عقیده ام این بود که باید اشل حقوق را معین کنیم مسئله پول سوای مسئله تشکیلات است و مسئله اضافه حقوق سوای تشکیلات است. پس از آنکه نباشد آقای وزیر عدلیه حقوق را زیاد کردند مثلاً بکسی که صد تومان حقوق میدادند فرضاً سیصد تومان بدهند آنوقت چه میشود؟ میفرمایند اشخاصی هستند که اگر بنا شود پول کم بانها بدهند قبول نمی کنند این يك حدس نا محدودی است. ما نمی دانیم این آدم درست کار و صحیح العملی که ایشان پیدا کرده اند کیست و چقدر باید پول باو داد که قبول کند و راضی شود.....

رئیس - باز از موضوع خارج شدید.

کازرونی - چون مقام ریاست تذکر دادند که در ماده اول نمیشود در کلیات صحبت کرد و بنده بر حسب سابقه می خواستم صحبت بدارم ولی حالا منصرف میشوم. میفرمایند این ها منتظرین خدمتند. معلوم میشود همین اعضاء و اجزائی که عدلیه بواسطه وجود آنها خراب

بوده و مردم از اینها متاثری بودند جزء مستخدمین رسمی محسوبند و نازمانیکه شغلی بانها داده نشده حقوق انتظار خدمت بهشان میدهند و بعد هم البته به منتظر خدمت باید شغل رجوع کرد. پس بهمان مستخدمه‌ینی که بعقیده آقای وزیر بد بودند حالا حقوق انتظار خدمت داده میشود منتهی حقوق بیشتری زیرا ناچار مطابق تشکیلات جدید بانها هم حقوق خواهند داد. و شاید فزونی هم داشته باشد. آن مبلغی که قبل از انتظار خدمت حقوق میکردند. در هر صورت این عده که منتظر خدمتند و یکمده دیگر هم نازه میآیند و مشغول خدمت میشوند و بعد هم بمرور همین منتظرین خدمتی که از دستشان شکایت داریم کار داده میشود و بنده نمیدانم بالاخره چه خواهد شد.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) - بنده در این ماده آنطوریکه نماینده محترم داخل کلیات شدند وارد کلیات نمیشوم و معامله بمثل نمیکم فقط همان فرمایشاتی که در اینجاده فرمودند جواب عرض میکنم. از قول آقای وزیر عدلیه فرمودند که ایشان همچو فرموده اند باشخاصی که منتظر خدمت هستند حقوق داده میشود ولی بدیگران داده نمیشود. ایشان همچو فرمودند بلکه مخصوصاً تصریح کردند اشخاصیکه از محاکمه خوب بیرون میآیند و محکوم نشده باشند و مستخدم دولت محسوب شوند آنوقت حقوق انتظار خدمت بانها داده میشود. تصدیق خواهید فرمود که بالاخره تمام قانون عدلیه را در این جا نباید نوشت.

محاکمه قضات يك قانون و امر علیحده ایست که بموجب آن قضات محاکمه میشوند و در صورتیکه بکنفر قاضی از محاکمه خوب بیرون آمد و غیر خائن بود در هر صورت باو باید حقوق داد.

این ماده هم بهیچ وجه مربوط بهیچیک از این فرمایشاتی که فرمودند نیست. بالاخره در نتیجه انحلال عدلیه يك عده اشخاصی بدون مقدمه بیکار شده اند و وزارت عدلیه

در نظر داشته است که از اول سال جدید عدلیه مرکز را و بعد از چندی عدلیه ولایات را باز و دائر کنند و يك تشکیلاتی هم در نظر گرفته است که بدهد در این مدت یعنی مدت بین انحلال و آن موقعی که عدلیه باز شود يك عده قاضی محکوم میشوند و يك عده هم بیکار و بدیهی است که در این بی تکلیفی حقا باید باشخاص حقوق داد و حالا ایشان بموجب این ماده از مجلس اجازه میگیرند که از تاریخ انحلال عدلیه تا اول اسفند که موقع شروع بکار است (تا آخر اسفند) به يك عده اشخاصی که در نتیجه انحلال عدلیه بیکار شده اند حقوق داده شود. البته اگر آقای کازرونی مخالفند که حقوق باین اشخاص داده شود آن يك امری است خوبست صریحاً بفرمایند تا جواب داده شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول را این نوع پیشنهاد میکنم - ماده اول - بوزارتعالیه اجازه داده میشود حقوق کلیه اجزاء و اعضاء وزارت عدلیه اعم از آنها که در مرکز مشغول خدمت بوده اند یا در ولایات تا آخر اسفند ماه ۱۳۰۵ بپردازد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مفصلاً عرایض خودم را عرض کرده ام. و جوانی هم که آقای وزیر فرمودند تصدیق کردند منتها فرمودند برای تأکید است. ولی بنده عرض میکنم که ما بهیچ وجه محتاج بتأکید در اینجا نیستیم و در این قانون که میگذرانیم نباید متذکر شویم که کی منتظر خدمت است و کی نیست. این کار در واقع با خود وزارت عدلیه است زیرا او مسئول اینکار است. این مثل این است که ما يك قانونی بگذرانیم که وزیر عدلیه چه کسی

را مسؤول فلان خدمت بداند یا نداند. این از حدود ما خارج است و با خود قوه مجریه است. یکی هم مسئله انحلال است که ربطی بمانندار ما نظیرمان در این ماده این است که بانهایی که مشغول خدمت بوده اند چه در مرکز چه در ولایات این حقوق داده شود. نظر خود وزیر عدلیه هم همین است و نظر کمیسیون بودجه هم همین بوده است که مطابق این نظری که آقای وزیر عدلیه دارند این حقوق انتظار خدمت باین اشخاص داده شود. از این جهت بنده همین مسئله را اصلاح و پیشنهاد کردم دیگر بسته بنظر آقایان است وزیر مالیه - آقای وزیر عدلیه يك توضیحاتی در این ماده دادند که خود نماینده محترم تصدیق میفرمایند که يك قسمتش اقتناع کننده بود. بنده هم بطور اختصار می خواهم خاطر ایشان را متوجه کنم که آن قسمت انحلال هم آنطوریکه گفته شد حکایت است از يك تاریخ. و بهترین وسیله و طریق برای رسیدن بمقصود همان ذکر (انحلال) بود که در ماده هم ذکر شده است.

و اما قضیه منتظرین خدمت گمان میکنم يك سوء تفاهم و اشتباهی تولید شده است. میفرمایند منتظرین خدمت را وزیر معین میکنند در صورتیکه قانون معین میکند. قانون استخدام يك شرایطی را معین کرده که هر وقت آن شرایط موجود شد يك مستخدمی منتظر خدمت محسوب و شناخته خواهد شد. وزراء و قوه مجریه همان طور که فرمودند تطبیق کنند آن اصول با مصادیق هستند و البته آقای آقا سید یعقوب تصدیق میفرمایند که ما نمی خواهیم حقوق خودمان را از دست بدهیم و نمی توانیم آقایان و کلاء را دعوت کنیم که بحقوق قوه مجریه تجاوزی نکنند. همان طوری که ذکر شد قانون تشخیص يك صفاتی را برای منتظر خدمت شدن داده است. در این صورت چه در این ماده ذکر بشود یا نشود. اشخاصی که دارای آن صفات باشند منتظر خدمت شناخته خواهند شد.

اگر این جا احتیاطی از طرف وزیر عدلیه بعمل آمده است و از طرف وزارت مالیه هم که دهنده این لایحه بوده موافقتی با این نظر شده برای این بوده است که مبادا در اذهان و با در مقامانی که يك قدری خرده گیری زیاد است بمناسبت انحلالی که پیش آمده يك سوء تعبیراتی بعمل آید. و همچو تعبیر شود که انحلال یعنی انفصال. در صورتیکه انفصال پس از محاکمه باید بعمل آید. و البته آنهایی که محاکمه میشوند و محکوم هم میشوند بموجب همان قانونی که تشخیص صفات انتظار خدمت را داده دیگر منتظر خدمت محسوب نخواهند بود بلکه محکومند. برای این قبیل احتیاطات این مسئله در ماده ذکر شده است و بنده این گونه اصرار را برای حذف این عبارت ضروری نمیدانم.

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید؟

مخبر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای

آقا سید یعقوب. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده يك پس از لفظ محسوب نوشته شود و حقوق انتظار خدمت بترتیب قدمت خدمت دریافت خواهند کرد.

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با این لایحه موافقم ولی در موادش بعضی عرایض داشتم که فرصت نشد عرض کنم و مقصودم از این پیشنهاد این بود که نه تنها از آقای وزیر عدلیه بلکه از هیئت دولت يك توضیحی راجع بمنظرین خدمت بخواهم نارفع اشکال بنده بشود. قانون استخدام تصریح میکند که هر وزارتخانه بیشتر از صدی پنج نباید

منتظر خدمت داشته باشد تا امروز هم چو معمول بوده که به صد پنج از اعضاء حقوق منتظر خدمت میدادند آنهم بمیل رؤسای وزارتخانهها بود. بیک عده میدادند و بکسده هم سرگردان می ماندند تا تشکیل این کابینه اخیر معمول بود که اگر يك منتظر خدمتی از يك وزارتخانه بیک وزارتخانه دیگر تبدیل میشد عوض میدادند مثلاً از يك وزارتخانه برای وزارتخانه دیگر مستخدمی میفرستادند ولی عوض میگرفتند. بطوریکه مجموعاً عده منتظرین خدمت وزارتخانهها از حدود صدی پنج تجاوز نکند و اخیراً معمول شده است که بعضی از وزارتخانهها از وزارتخانههای دیگر مستخدمین را جلب میکنند و مستخدمین خود میافزایند و این طبیعی است که در این صورت از منتظرین خدمت يك وزارتخانه کم میشود و بر منتظرین خدمت وزارتخانه دیگر میافزاید و بالاخره این مسئله برای منتظرین خدمت اسباب اشکال میشود. من باب مثال عرض میکنم وزارت داخله از پست و تلگراف مستخدم میآورد و بدیهی است آن پستی که در وزارت پست و تلگراف خالی میشود دیگر حقوق نخواهد داشت و این آدم منتظر خدمت محسوب میشود. این مسئله عده منتظرین خدمت وزارتخانهها را از صد پنج بصد ده تجاوز میدهد. حالا بنده خواستم بدانم برای این مسئله چه فکری کرده اند. وقتی که بنا شود از خارج يك عده مستخدم برای وزارت عدلیه جلب کنند بدیهی است که يك عده زیادی بیکار خواهند شد و قبل از انحلال منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صد پنج اضافه بود و حالا هم که عده زیادی منتظر خدمت خواهند شد بدیهی است که عده منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صد پنج بصد ده بلکه صد پانزده خواهد رسید. در موقع تقسیم حقوق بنده می خواهم بدانم آقای وزیر چه ترتیبی را در نظر گرفته اند. کی حقوق میگیرد و کی محروم خواهد بود؟ خوب است این مسئله را برای بنده توضیح بدهند تا بنده اگر قانع شدم پیشنهاد خودم را پس بگیرم.

وزیر عدلیه - بطوریکه خود نماینده محترم اظهار

فرمودند مقصودشان این بود که طرز و رویه دولت در تعمیم حقوق منتظرین خدمت چطور است؟ تا با امروز يك ترتیب کلی در تمام وزارتخانهها که همه جا بیک نواخت باشد نبوده و البته باید يك ترتیب کلی داده شود. تا به حال معمول این بوده (چون عده منتظرین خدمت بموجب قانون نباید از صد پنج تجاوز کند) بعضی وزارتخانهها آمده اند و در يك ماه يك عده از منتظرین خدمت خودشان را صورت داده اند که آنها حقوق داده شود. و در ماه دیگر حقوق بیک عده دیگر داده اند باین ترتیب که همه حقوق رسیده باشد. بعضی وزارتخانههای دیگر آمده اند و يك ترتیبی بین منتظرین خدمتشان داده اند که حقوق بین همه تقسیم شود. در هر حال به عقیده بنده يك ترتیبی مرتبی تا کنون در کار نبود. بنده وقتی که به وزارت عدلیه رفتم برای اینکه جای هیچ صحبت و حرفی باقی نماند يك اصلی اتخاذ کردم گرچه نمی خواهم بگویم بهترین اصل است ولی در هر حال يك اصلی بود که خودم اتخاذ کردم و آن این بود که به بینندگان منتظرین خدمتی که قدمت و مدت خدمتشان زیادتر است کدامند بآنها حقوق داده شود و بهمین ترتیب هم چهار ماه حقوق انتظار خدمت به منتظرین خدمت داده شد چون سه چهار ماه عقب افتاده بود که صورت نداده بودند (چون عدلیه تا قبل از انحلال هفتاد و سه نفر منتظر خدمت داشت) در صورتی که تا میزان صد پنجاهی که قانون معین کرده بیشتر از سی و دو نفر حق نداشتند حقوق بگیرند و با آن سی و دو نفر دیگر بنده از روی همین اصل رفتار کرده ام. حالا بنده نمی خواهم بگویم که این اصل يك اصل مسلمی بوده ولی در هر حال مطابق عقیده خودم خوب بوده و تا وقتی که يك دلیلی بر خلاف آن ظاهر نشود این ترتیب به عقیده بنده بهترین اصلها است. ولی در هر صورت باید يك ترتیبی برای منتظرین خدمت معین شود بنا بر این بنده تصور میکنم بهتر این است که آقایان بفرمایند و این پیشنهاد خودشان

را پس بگیرند و همین مطرح شدن این قضیه در این جا و مذاکراتی که شد يك تذکری بود و این مسئله در هیئت دولت مطرح خواهد شد و يك قرار کلی برای کلیه منتظرین خدمت داده خواهد شد. ولی حالا بنده بیایم يك اصلی را قبول کنم آنوقت سایر رفقهای بنده و سایر وزارتخانهها يك ترتیب دیگر را اختیار کنند این چندین مناسب نیست بنده در هر حال این فرمایشات را بعنوان تذکره دولت تلقی میکنم تا مسئله در هیئت دولت مطرح شده و يك قرار قطعی راجع بکلیه منتظرین خدمت داده شود

عدل - بنده توضیحی دارم

رئیس - اگر بخواهید پیشنهادتان را مسترد کنید می توانید.

عدل - بنده همین قدر عرض و استدعا میکنم که به کمیسیون قانون استخدام تذکر بدهند که برای منتظرین خدمت يك ترتیب کلی در نظر بگیرند (صدای زنگ رئیس)

عدل - استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای مستخدمین مزبور نوشته شود کلیه مستخدمین وزارت عدلیه.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - گرچه همانطوریکه آقایان وزراء فرمودند بنده هم معتقد نیستم که در این ماده عنوانی از منتظرین خدمت بشود زیرا حق انتظار خدمت يك حقی است که در حدود قانون معین است ولی برای رفع شائبه راجع باینکه انحلال عدلیه را مستلزم انفسال نمانند بهتر این است که این قید بشود که تعارضی بین قسمت اول این ماده با قسمت آخرش نباشد. اگر فرض کنیم اشخاصی که مشغول کار بودند از منتظرین خدمت محسوب میشوند

این مفهوم مخالفش این است که اشخاصی که در حین انحلال عدلیه مشغول خدمت نبوده اند منتظرین خدمت نیستند در صورتی که بهتر این است نوشته شود کلیه مستخدمین وزارت عدلیه. و این شامل تمام مستخدمینی است که در حین انحلال عدلیه مشغول کار بوده اند یا نبوده اند.

وزیر عدلیه - مقرر فرمائید دوباره قرائت شود.

(مجدداً بشرح فوق خوانده شد)

وزیر عدلیه - عرض میکنم این اشکالی ندارد برای اینکه بالاخره کسانی که در ابتدای ۱۳۰۶ تا موقعیکه مجدداً بخدمت منصوب نشده اند و سابقه خدمت هم دارند جزء منتظرین خدمت محسوب خواهند بود در هر حال اشکالی ندارد بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید؟

مخبر - بنده راجع بعبارت اشکالی ندارم و الا اصل موضوع يك موضوع صحیحی است و مقصود هم همین است که کلیه مستخدمین وزارت عدلیه یعنی مستخدمین قانونی آنهاست که سابقه خدمت داشته اند و در حقیقت مستخدم قانونی وزارت عدلیه بوده اند چون قانون استخدام عدلیه موقتاً تعطیل شده است باید بموجب يك فراز و جمله علیحده حقوق آنها تأمین شود از این جهت این جمله را صلاح دانسته اند و در ماده اضافه کرده اند. مقصود هم کلیه مستخدمین قانونی وزارت عدلیه بوده است هر تصریحی هم بخواهند بفرمایند بنده کان نمیکشم کمیسیون مخالف باشد و بنده هم قبول میکنم

وزیر مالیه - مقصود نماینده محترم البته خیلی صحیح است ولی اگر باین ترتیب نوشته شود ممکن است سوء تفاهاتی تولید کند و اگر موافقت بفرمایند بهتر این است این جمله را در سطر دوم ماده در موقعی که گفته میشود (حقوق اشخاصی را که در موقع انحلال تشکیلات وزارت عدلیه مشغول کار بوده اند) بکنجانند یعنی این جمله را که صلاح میدانند بجای جمله (مشغول

کار بود. اند) بگذارند. تر است که آنوقت جمله مستخدمین مزبور که عطف بان قسمت میشود نظر آقای را نامین میکنند.

رئیس - بالاخره قرائت میشود و رأی میگیریم.

دستی - بنده مخالفم.

رئیس - عضو کمیسیون هستید.

دستی - بله عضو کمیسیون بودجه هستم.

رئیس - بفرمائید

دستی - بنده تصور میکنم که همین ماده هیچ اشکالی ندارد برای اینکه يك عده در عدلیه مشغول کار بوده اند و تا آخر اسفند ماه حقوق میگیرند. يك عده هم سابقاً منتظر خدمت بوده اند آنها هم بالطبع منتظر خدمت محسوبند. اثبات شیئی نمی آید و عدا نمیکنند و بنده تصور میکنم عبارت خود ماده بهتر است. و مقصود آقای شریعت زاده را هم نامین میکنند.

وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم با توضیحی که داده شده است و با اینکه در اصل قضیه هیچ اختلافی نیست تغییر عبارت ضرورت ندارد زیرا مقصود آقای شریعت زاده این است که اشخاصی که در موقع انحلال عدلیه منتظر خدمت بوده اند حقوق آنها از بین نرود و این مسئله هم خیلی واضح است و با توضیحی هم که بنده میدهم ایشان مطمئن باشند که نظریه شان نامین خواهد شد.

شریعت زاده - با این توضیحی که دادند بنده مسترد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از عبارت تاریخ

انحلال در بین الهالین مزبور شود ۱۳۰۵

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - اگرچه مطلب خیلی روشن است

ولی چون قبل از این انحلال انجمنهای دیگری هم بوده است و بنده مخصوصاً در نظر دارم که در انحلال قبل از این يك دعوی در کار بود برای اینکه سوء تفاهم نشود اولاً بهتر این بود که صریحاً نوشته میشد در چه تاریخ. ولی چون تاریخ انحلال عدلیه مرکز با ولایات متفاوت بود از این جهت بنده ذکر سنه ۱۳۰۵ را در این جالان میدانم تا با انحلال های سابق اشتباه نشود.

وزیر عدلیه - صحیح است.

مخبر - بنده هم قبول میکنم

رئیس - آقای زعیم پیشنهاد کرده اند که قسمت آخر از ماده حذف شود. آقای زعیم.

زعیم - بنده برای اینکه زیاد حرف زدم پشت زبیرون نیامده ام بلکه برای اینکه با آقای وزیر عدلیه مواجه بشوم چون کمال ارادت را خدمتشان دارم. ایشان در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که اگر این لایحه نگذرد رأی سابق مجلس بمنزله يك تعارف محبت آمیزی بوده است که با ایشان شده. بنده از خودشان انصاف میخواهم آیا این عبارت که: «مستخدمین مزبور از ابتدای ۱۳۰۶ ناموقعی که مجدداً بخدمت منصوب شوند منتظر خدمتند» يك تعارفی نیست که با اعضاء قدیمی عدلیه میشود اولاً نظر ایشان از این ماده این بوده که تأمین حال اعضاء عدلیه بشود. اما اینکه منتظر خدمت حساب میشوند ابتداً از حال آنها تأمین نمیکنند. ثانیاً قانون بودجه که امروز درست است اجازه نمیدهد که يك وزارتخانه بیشتر از صد پنج منتظر خدمت داشته باشد همانطوریکه آقای عدل اظهار کردند قانون استخدام اجازه میدهد که عده منتظرین خدمت بیش از صد پنج باشد ولی قانون بودجه این اجازه را هیچ نمی دهد و کمیسیون امریکائی می گویند بیش از صدی پنج به منتظرین خدمت حقوق دادن اولاً در قوه و در اختیار مالی ما نیست که بدهیم و نداریم در صورتیکه بر اثر این انحلال و

و استخدام اشخاص جدید قطعاً منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صدی پنج تجاوز خواهد کرد. دیگر اینکه معلوم نیست مستخدم از روی چه اشلی باید حقوق بگیرد آیا از روی اشلی سابق است که خودشان نمی پسندند یا اشلی زیاد تر و جدیدی که در نظر گرفته اند؟ حالا بنده وارد اساس قضیه نمیشوم و عرض نمی کنم این اشخاصی که بکار دعوت میشوند اگر بی مصرف و لاابالی هستند چرا منتظر خدمتشان می کنند. شما که اختیارات نامه دارید و می توانید این ها را پشت در بگذارید ولی اینکه حالا می خواهید این اشخاص را منتظر خدمت بکنید در واقع مثل این است که میخواهید با آنها تعارف کنید.

از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم این قسمت از ماده حذف شود آنوقت راجع می شود بحقوق تا اول امسال یعنی تا اول فروردین و بهتر این است برای نامین حال کسانی که بکار دعوت میشوند يك فکر اساسی تر و محکم تر بفرمائید. امشب هم که همه این لایحه نمیگذرد و خوبست این مسئله را در طی يك لایحه دیگری در نظر بگیرید و به مجلس بیاورید تا تصویب شود. مقصود این است يك چیز مفیدی باشد نه تعارف.

وزیر مالیه - چون يك قسمت از اظهارات نماینده محترم مربوط به جنبه های مالی قضیه بود از این جهت بنده جواب آقای ارباب کیخسرو که این چیزیکه در این لایحه نوشته شده تعارف نیست و آقا باید متذکر باشند که مطابق رایی که مجلس داده کلیه قوانین سابق (نه کلیه) بلکه يك قسمت از قوانین که راجع به عدلیه است عیناً در حال بلا تکلیفی و وقفه است من جمله قانون استخدام قضات است و مالیه دیگر نمی تواند مطابق يك قانونی که در حال توقیف است تشخیص انتظار خدمت یا غیر انتظار خدمت را بدهد. پس این تعارف نیست بلکه عین موافقت است برای تعیین تکلیف آن اشخاص -

این مسئله را نباید آقا خلط کنند با پرداخت حقوق که میفرمایند از صد پنج بیشتر میشود و وقتی که منتظرین خدمت از صد پنج بیشتر شد دیگر حقوق آنها نمیرسد این يك چیز تازه نیست. تمام وزارت خانهها همینطورند الان وزارت خارجه را ملاحظه کنید. منتظرین خدمتشان خیلی از صد پنج بیشتر است و همین جهت حقوق کافی به منتظرین خدمت نمیرسد وزارت خانههای دیگر الان عده منتظرین خدمتشان از صد پنج زیاد تر است پس اگر فردا منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صد پنج متجاوز شد (چنانچه در روز هم عده منتظرین خدمت از صد پنج متجاوز بود) و حقوقشان بایشان نرسید این را نمیشود گفت که تعارف است. خیر تعارف نیست. و این در واقع يك حسابی است که امروز بواسطه در حال وقفه بودن قانون استخدام قضاة و بلا تکلیف بودن از آنها میشود. اما راجع باشد استخدام که فرمودند این مسئله هم گمان میکنم محتاج تذکر نیست. زیرا مطابق قوانینی که برای انتظار خدمت هست اشلی انتظار خدمت از روی آخرین حقوق است که مستخدمین دریافت کرده اند اگر بنا شد از حالا به بعد يك اشخاص جدیدی استخدام شوند و مطابق ترتیبات جدیده حقوق زیاد تر بگیرند این ربطی با آنها که سابق مشغول خدمت بوده اند ندارد. و اشلی حقوق منتظرین خدمت از روی آخرین حقوقی خواهد بود که در موقع اشتغال بخدمت دریافت میکنند. و این مسئله واضح و محتاج تذکر نیست. اما اینکه در سه قسمت فرمایشات آقایان اشاره باین بود که چرا اینها منتظر خدمت میشوند گمان نمی کنم این يك اعتراضی باشد که وقتی که يك اداراتی منحل شد و يك مستخدمینی بیکار شدند چرا وزیر آن وزارتخانه یار رئیس آن اداره بآن اشخاص حقوق انتظار خدمت میدهد. این آقای يك مسئله خیلی قانونی است. وزیر عدلیه اختیاراتی دارند برای اجرای قانون و عمل در حدود قانون و باقی ماندن در حدود قانون

قسمت . رأی گرفته میشود قبلاً بماده اول از صدر ماده
تا مستخدمین مزبور آقابانیکه موافقت قیام فرمایند .
(عده کثیری قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد . رأی میگیریم به قسمت دوم
ماده آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . رأی میگیریم به مجموع هر دو
قسمت . آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد . پیشنهاد ختم جلسه شده است
(بعضی از نمایندگان صحیح است) جلسه آتیه فردا شب
دو ساعت و ربع از شب گذشته . دستور هم همین دستور
امشب .

(مجلس هفت ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد)

از حدود قانون که نباید خارج شوند البته اگر وزیر
عدلیه بخواهد تشخیص خوب و بد و تشخیص سوء سابقه
یا حسن سابقه را بدهد از مجرای قانونی یعنی بوسیله محاکمه
باید باین عمل مبادرت کند و در نتیجه محاکمه اگر
کسی محکوم شد دیگر نباید منتظر خدمت محسوب شود
ولی اگر این مقدمه بعمل نیامده باشد مردم حق دارند
بگویند که مطابق قانون باید با ما معامله کنید . بنا بر
این بنده این ماده را بسیار با مطالعه نوشته شده میدانم
و گمان نمیکنم این معایبی که فرض میفرمائید هیچ در
این ماده وجود داشته باشد .

رئیس -- آقای مخبر چه میفرمائید .

مخبر - بسته به نظر مجلس است .

رئیس -- پیشنهاد این است که عبارت (مستخدمین
مزبور به بعد) حذف شود . ماده تجزیه میشود بدو